

# ستاره سبز

شماره سبز - شماره ۱۰۹۱۴ - سال دوم

با چینی ما در توصیف راه و رسم تهنیزان شرب الخمر داریم که میگوید: "سنگی را که بلند کرده اند، عاقبت روی پای خودشان خواهد افتاد". مرتجعین جهان نیز همانند اینگونه تهنیزانند. تعقیب و سرکوب مردم انقلابی از طرف آنها سرانجام خلق را به انقلابی شعله افروز تر و پرتو دهنده تر میسازد. مگر تعقیب و سرکوب مردم انقلابی از طرف تزار روسیه و چانکیشک نبود که باعث برانگیختن انقلاب کبیر روسیه و انقلاب کبیر چین گردید؟ (مائوتسهدون)

مرداد - شهریور ۱۳۵۰ برابر اوت - سپتامبر ۱۹۷۱

## ملت گرسنه جشن نمیخواهد!

سال و شصت و هفتاد و پنج و بیست و یک سال... آیا شما در ایران دچار این مشکلات هستید؟ قطعا منفی است این عامل در زندگی صنعتی شما با راه حلهای ایرانی و موثر حل شده است در خارج امروز

را بر سر مراجعه به درمانگاههای سازمان بیمه های اجتماعی ترجیح میدهند زیرا دیده شده که پس از یکی دو روز مطلقا به بیماری که مبتلا به دل درد یا ریه تپش و سرماخوردگی بوده از یک نوع شربت و قرص داده اند و همین کارگر برای گرفتن دو روز حقوق ایام بیماری بایستی سه روز دیگر دست و پا کند. (شماره ۱۳۵۰)

شرایط زیست ناساعد کارگران ایرانی نتیجه استثمار شدیدی آنها توسط سرمایه داران داخلی و خارجی و خاطر وابستگی صنایع ایران به امپریالیسم جهانی است. میزان استثمار شدیدی کارگران ایرانی را طبق آمار رسمی دولتی در تهران آکونومیست سالانه ۱۳۴۹ میتوان به خوبی مشاهده کرد:

از ه هزار کارخانه صنعتی در سال ۴۹ که بطور عمده دست سرمایه داران خارجی است ۸۴ میلیون دلار سود خالص نصیب صاحبان آنها گشته است. در مقابل دستمزدهای مجموع ۳۱۳۰۰۰ کارگری که در این کارخانجات کار میکنند از یک هم سود مطلقا قلیل صاحبان کارخانجات فوق یعنی ۸۴ میلیون دلار تجاوز نمیکند.

آموزگار سفیر اقتصادی ایران در واشنگتن طی حبه ای از قول انحصارات آمریکائی میگوید: "سرمایه گزاران آمریکائی طیما این انتظار را دارند که بععلت اختلاف شرایط بهره برداری و سایر عوامل (۱) لااقل دو برابر سود آمریکا را بدست آورند" (اطلاعات - مرداد ۱۳۵۰)

این اختلاف شرایط که آموزگار بدان اشاره میکند چیزی جز بطور اساسی نیروی کار ارزان و مواد اولیه فراوان و کم قیمت نمیشد.

این سود مورد انتظار امپریالیستهای آمریکائی حاصل نمیشود مگر بقتل استثمار شدیدی کارگر ایرانی و هیت حاکم نیز تمام هم و غم خود را صرف این میکند که شرایط مورد نظرا حفظ کند.

هویتا نیز در مقابل صاحبان صنایع این راهزنان

در سال ۱۳۴۹ برابر ۲۵ میلیارد دلار کالای صنعتی تولید نموده اند. در مقابل این توده عظیم در اثر استثمار شدیدی و چند لایه ای امپریالیسم و ستمهای زنجیری آن به چنان وضع ناساعد زندگی و فقری کشانده شده است که هیچ قلمی را توانای شرح آن نیست.

کارگر ایرانی در مقابل سنگین ترین و طولانی ترین مدت کار در محیط غیر بهداشتی و بدون تأمین در برابر خطرناکترین دستمزدها را دریافت میکند. در مدت بیش از ۳۰ سال کسطنج هزینه زندگی چندان برابر گشته دستمزدها کمترین تریب با تفاق کارگران تنها تغییرات ناچیزی یافته است.

مطابق گفته تهران آکونومیست خرداد ۱۳۵۰ اخیرا بعد اقل دستمزدها ۱۰ ریال اضافه شده که در همین مدت کوتاه ۲۰ ریال هزینه خواربار اضافه گشته است. قابل توجه اینکه حد اقل دستمزدها که تهران آکونومیست از آن صحبت میکند حدود ۱۰ سال میباشد که لا یتغیر مانده است و در مقابل هزینه زندگی چندین برابر گشته است.

بمطابق مثال آمار رسمی نشان میدهد که از سال ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۷ هزینه زندگی بیش از ۱/۵ برابر شده است.

مبارزه کارگران کارخانه "جهان چیت" واقعیت دیگری را نشان داد. و آن اینکه کارگر ایرانی از همین حد اقل دستمزدها "قانونی" نیز محروم است صاحبان کارخانه ها در سایه سر نیزه ارتش و پلیس رژیم مداخله نصف و کمتر این حد اقل دستمزدها را به کارگران کارخانه فوق الذکر میدوزند.

و یا شاهد دیگری بگفته تهران آکونومیست خرداد ۵۰... نیروی کار در قسمتهائی نظیر گرگان بقدری زیاد شده که سطح مزد ها بیک ثلث تقلیل یافته است.

تهران آکونومیست مینویسد:

"اکثر کارگران و خانواده آنها تحمل درد بیماری یا فروش اثاثیه منزل خود و مراجعه به درمانگاههای اختصاصی

در این ایام خلقهای ایران شاهد مضحکه ای جنون آمیزی که فقط میتواند توسط تهنیز مغزی چون محمد رضا پهلوی اجرا گردد هستند؛ این دلقک بازی بزرگ قرن بیستم ۲۵۰۰ ساله نام دارد.

این جشن هنگامی برگزار میشود که فقر و بدبختی ظلم و ستم در میهن ما پیدا میکند. توده های وسیع مردم دیگر "گارد به استخوانهایشان" رسیده و موج هجوم بیشتر و وسیعتر از هر روز به مبارزه علیه رژیم برمیخیزند. موج نوین مقاومت مردم علیه نظام حاکمی که طی سالها سال، استثمارگری و وابسته بودن خود به امپریالیسم جهانی را با ثبات رسانده و جشن اخیری که سبیل پیدا گسریو پیش رسیده او میباشد. شرایط مناسبی را برای پیش تازان انقلابی در امر بسیج و متشکل کردن توده های مردم و بالاخره درهم شکستن نظام موجود بوجود آورده است. جشن ۲۵۰۰ ساله بطور عریان ولخت ماهیت استثمارگرانه و جهانی این ارتجاعی رژیم را در معرض دید همگان قرار داده و موجی از اعتراض و مقاومت و مبارزه را علیه خود به دنبال داشته است.

ولی رژیم فاشیستی ایران بسرکردگی شاه در برابر این همه اعتراض و درخواستهای حق طلبانه خلق چگونه عمل کرد؟ بنا بر ماهیتش از دو شیوه استفاده نمود: از یکسو کافی السابق با تکیه به سر نیزه نیروهای نظامی خود جواب اعتراض کنندگان را با گلوله داد، بار دیگر در هبها نفر از زحمتکشان و رویتنفرگان میهن ما را بخون کشید. هزاران هم میهن ما را دستگیر کرد و زندانها را از آزاد پخواهان پر نمود. از سوی دیگر عوامفریبی کرد. دروغ گفت، مذبوحانه کوشید. حقایق را وارونه جلوه دهد. از وضع خوب مردم سخن گفت، شاه گستاخانه ادعا کرد: خرج زیادی برای جشن نشده است.

ما در زیر کوشش میکیم با استفاده از آمارهای خود رژیم نشان دهیم که این ادعای رژیم ایران سرایا دروغ بوده و این جشن هنگامی برقرار میشود که نه تنها وضع مردم خوب نیست بلکه ملوینها مردم زحمتکش ما در فقر و بدبختی شدیدی بسر میروند. این فقر و بدبختی به حدی است که آنها مجبورند فرزندان خود را در مقابل پول ناچیزی بفروشند و یا بخاطر یافتن کاری در خارج مرزها ایران دسته دست در آبهای خلیج فارس غرق شوند. این آمارهای رژیم که بی شک برای قبولاندن "پیشرفتهای" مورد ادعای خود به مردم، رنگ و روغن خورده اند و قادر نیستند ستم شدیدی سیاسی و ملی را منعکس سازند. توضیح واقعی و کامل تمام حقایق جامعه ما میباشد ولی بقول مارکس کبیر "گوشه پرده را بقدر نکایت بالا میزنند تا بتوان سر مدوز را از لایبزی آن دید" (مدوز - جاد و کرمی در افسانه های یونان قدیم است)

۱- وضع زندگی مردم

وضع طبقه کارگر ایران - اکنون از نظر کمی این طبقه تعدد قابل ملاحظه ای از جمعیت را تشکیل میدهد و نیروی کار عظیمی است که با دست توانای خود در همین مگد ناچیز صنایع مصرفی وابسته نقش بزرگی را در اقتصاد کشور ایفا میکند.

۳۱۶ هزار کارگر ایرانی که چرخ کارخانجات صنعتی بزرگ (منظور از صنایع بزرگ در آمار دولتی کارخانه هائی با بیش از ده نفر کارگر هستند) را میگردانند

### زنده باد جمهوری توده ای چین

تمام انقلابیون و خلقهای جهان در شادمانی بزرگ خلق چین در بیست و دومین سالگرد تاسیس جمهوری توده ای چین شرکت میکنند و از اینکه خلق قهرمان چین توانسته است چه در زمینه اقتصادی، بالا بردن سطح زندگی خود، شکوفاتر ساختن چین سوسیالیست و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و چه در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم، پیروزیهای بزرگی بدست آورد از صمیم قلب خوشحالند.

پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در چین در سال ۱۹۴۹ تحت رهبری حزب کمونیست چین که در اس آن رفیق مائو تسه دون قرار دارد، بزرگترین واقعه تاریخی پس از انقلاب دیراگبر روسیه و نقطه عطفی در مبارزات خلقهای جهان در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا بود. از آن زمان تا بحال تغییرات عظیمی بسوی انقلاب جهانی صورت گرفته است: از یک سو امپریالیسم بطرف اشغال کامل میگردید و سوسیالیسم - امپریالیسم شوروی بیشتر و بیشتر افشا گردید و دست و از سوی دیگر مبارزات پرولتاریا و خلقهای سراسر جهان بسط و توسعه یافته و چین توده ای سوسیالیستی پرتقد رتی در آسیا برپا گردید و دست که چون در می حکم از انقلاب جهان، یاسداری

سال و شصت و هفتاد و پنج و بیست و یک سال... آیا شما در ایران دچار این مشکلات هستید؟ قطعا منفی است این عامل در زندگی صنعتی شما با راه حلهای ایرانی و موثر حل شده است در خارج امروز دستمزدها بالا میروند ولی فردا با تورم و ترقی قیمتها دستمزدها اضافی از دست حقوق بگیر بیرون کشیده می شود. (اطلاعات ۱۸ مرداد ۱۳۵۰)

راه حل هیأت حاکمه سر نیزه و آتش مسلسل است، در مقابل هرگونه مبارزه و درخواست حقان و منطقی کارگران جنبی بر افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار سیل خون جاری میکند و ماهیت این راه حل را تجزیه مبارزات کارگران جهان چیت و تجربه های چندین ساله به بروی

لتاریخ ایران نشان داده است ظاهر قضیه هم بادروغ احضانه ای حفظ میگردد و آن منفی رشد قیمت ها و هژمینه زندگی در ایران است که حد اقل هر ماه یکبار در مجله بانک مرکزی منعکس میشود.

وضع دهقانان ایران - دهقانان که بزرگترین نیروی مولد جامعه اند آماج شدیدی ترین استثمار چند لایه ای قرار داشته و شدیدا تحت فشار تعدی، جور و ستم طبقات حاکم می باشند.

برای تشریح وضع رقت بار دهقانان ایرانی کافی است گفته شود که در آمد سالانه یک روستائی فقیر که اکثریت روستائیان را تشکیل میدهد از ۵۰۰ تومان تجاوز نمی کند و این تعجب آور نیست زیرا بنا بر ادعای خود هیأت حاکمه یک دهقان ایرانی برای تأمین حد اقل مایحتاج زندگی خود احتیاج به ۶ هکتار زمین زیر کشت دارد و در عرض زمین زیر کشت برای هر دهقان ایرانی یک سوم هکتار است. اگر مساله نبود آب و بندر و وسائل تولید قرون وسطائی مورد استفاده بدان علاوه شود میتوان تصور کرد که چگونه فقر و بی چیزی گریبانگیر روستاهای ایران میباشد.

تقریبا اکثر روستاهای ایران از کترین وسائل بهداشتی بی نصیب میباشد. تغذیه ناگامل و ناچیز آتچنان توانائی مقاومت در برابر بیماریها را از دهقانان ایرانی سلب میکند که کوچکترین عارضه و عدم دست یابی به دریا و دریا در دهات ایران مرگ می آفریند.

"اصلاحات ارضی" ملوکانه، دهقانان ایرانی را به عارضه دیگری نیز دچار ساخته است و آن تشدید روز افزون بیگاری است که باعث جریان سیل آسیای مهاجرین از دهات به شهرها شده است.

بمبصر از عوامل مختلفی که در گذشته موجود بودند و وسایل مهاجرت روستائیان به شهرها را تشدید میکرد و باعث درگیری و بیخاندانی آنها میشد، عوامل جدیدی اضافه شده اند که مادر زیر سه عامل آنرا ذکر میکنیم:

۱- در بسیاری از روستاها مالکان برای اینکه جلوه دهند دهات آنها "مکانیزه" شده است به زور دهقانان را از ده کوچ داده و بدین ترتیب لشکر بزرگی از دهقانان را روانه شهرها ساخته اند.

۲- در اکثر روستاهای ایران قاتلها که یکی از منابع اصلی آبیاری هستند توسط مالکین تعمیر نشده و مخروبه گشت است از اینرو تعداد زیادی از دهقانان مجبور به ترک روستا شده اند.

۳- عامل دیگر در رشد بیگاری، شرکتهای زراعتی میباشد این شرکتها دهقانان را تحت عنوان اینکه به نیروی کار آنها احتیاج ندارند از محل کوچ میدهند. با وجود تمام عوامل فوق هر سال تعداد زیادی به جمعیت در سن شغل روستاها اضافه میگردد. این افراد بقیه در صفحه دوم

## استقرار جمهوری دموکراتیک خلق خواست مردم ماست

بقیه ملت گرسنه . . .

که میخوانند نیز شرافت سناهد . بولد بزرگترین نعمت ماری  
گرد نه در شرایط نبودن کار ساه بیگران را توسعه می  
دهند . نتیجه بیگاری در دشت آواره شدن هزاران  
هزار دهقان ایرانی در شهرهاست که خود موجب  
از یاد نیروی کار در شهرها و ثقلی دستبرد کارگران  
و از یاد درآمد سرمایه داران داخلی و خارجی است .  
که ما در بالا به گوشه هایی از آن اشاره کردیم .

این واقفیت آنقدر حاد بوده و واضح و روشن گشته  
است که در گوشه و کنار یون یاره های رسمی ایران .  
مداحان "انقلاب نظیفه" نیز انعام پیدا میکنند در  
تهران اکونومیست ۲۲ خرداد ۱۳۵۰ میخوانیم :

"افزایش جمعیت شهرها . . . بیش از گنجایش اقتصاد  
شهرها به پیش میرود . یکی از عیبا نقد آن بیگاری و  
آنها در شهرها و انحصارشان از مسیر زندگی طبیعی است  
این افراد بیگاری که تهران اکونومیست از آن صحبت می  
کند در سال جاری پشور آمد هاند به نیم میلیون نفر بالغ میگردد .

ساله دیگری که کشاورزی ایران وزندگی دهقانانرا  
تهدید میکند . مساله خشکسالی است که بطور اساسی  
نتیجه تفرقه شدن قلات ها و عدم رسیدگی به آبیاری  
دهات است . طبق گفته وزیر آب و برق اسامی کترانیم  
معمول در سیستم زیرکشت بوده که آنها هم نضض خشک  
گشته است و این تهران اکونومیست میگوید " اکنون افرادی  
در ده میباشند که خشکسالی یکبار آنها را از وضع خوبی  
که داشته اند به صفر تبدیل کرده است ( شماره خرداد )  
چنین است وضع روستاهای ایران و چنین است وضع

زندگی میلیونها میلیون دهقان ستمدیده ای که هدر  
گرفته رها و آتاشین و بنهداشت هستند . آنها اگر امتلا  
به انواع بیماری بوده ، خشکسالی غالباً طیوله حیوانات می  
باشد در دهقانانیکه از کوچکترین آزادی اقتصادی ، سیاسی  
و اجتماعی بی بهره اند و از همه طرف به شکلهای گوناگون  
مورد استثمار و ستم شده اند . قرار میگردد و وجود این باز  
شاه کوس ستمد تنه و آزاد شدن دهقانان را بر سر  
کوچه و بازار میزیند .

ولی برای نشان دادن تو خالی بودن و بیجی این  
تعلیقات کافی است بگوئیم که مطابق آمار رسمی دولتی ،  
ایران مجبور است سالانه حدود ۳۰ میلیارد ریال محصول  
لات کشاورزی از خارج وارد سازد و تنها در سال جائز  
برای تأمین نان فردی ۸۰ هزار تن گندم از خارج خرید  
اری شده است . در حالی که ۷۰٪ زمینهای زیر کشت ایران  
به کشت گندم اختصاص دارند .

در شهرها نیز وضع زندگی مردم روز بروز به بیاضی  
گراید . زحمتکاران شهر که مرکب از کارگران و خرد و بزرگان  
شهری میباشند و درآمد بخشیده آنان از طریق دستمزد  
و حقوق دولتی تأمین میشود ، زیر بار افزایش سرسبز  
هزینه زندگی جانشان بلب رسیده است .

درآمد متوسط یک شهری از منبع مزد و حقوق دولتی  
سال ۱۳۳۸-۱۳۴۸ تنها سالیانه ۵۴ تومان افزایش  
یافته است . ( تهران اکونومیست ۲۶ خرداد ۱۳۵۰ )  
تومان سالیانه کافی رشد مخارج تحصیل طفل یک شهر  
نشین نمیتواند باشد . چه رسد به افزایش سریع هزینه  
خوراک و سکن . نتیجه اینکه اکثر زحمتکاران شهری از  
طبقه متوسط یا رسته های گوناگون زیر فشارهای اسارت  
باز فرو میروند و کوچکترین رها و آتاشین زندگی پیدا  
نمیکند .

این واقفیت در دناک و نفرت انگیزتعلقه کموری  
است که از لحاظ عامل انسانی وضع مساعدی دارد و از نظر  
منابع طبیعی و ثروت طبیعی ارضیترین کشورهای دنیا  
است و ثروت طبیعی آن مسود جبار و غارت شخصی  
انحصارگر کشورهای خارجی است .

کافی است اشاره کنیم که مقدار سودیکه کسرسیموم  
بین المللی نفت در طی ۶ سال ۱۳۳۵-۱۳۴۵ از ایران  
خارج نموده است ۱۵۰ میلیارد دلار است .

از طرف دیگر انحصارگران شهری نیز سالیانه قریب  
۵ میلیارد ریال از طریق جیبان منابع گاز ایران به خارج میبرند .  
وضع معادن دیگر ایران هم سنگین است . سنگ روی آهن  
کرومیت ، سرب ، طلا و نغال سنگ نیز دست کسی از و  
نمیخواهد بالا ندرند .

عوامل دیگری که در وضع تر شدن شرایط زندگی مردم  
تأثیر میگذازند عبارتند از :

۱- بازرگانی خارجی - شاخص قیمت کالاها میصنعتی در  
کشورهای صنعتی عمدتاً در غرب که ۷۰٪ واردات ایران از آنها  
تأمین میگردد در هر روز بهترازد است و مقابل شاخص قیمت

کالاها میصادراتی ایران ، منجمله نفت از ۱۶۶ میلیارد  
دلار ۱۳۳۵ به ۱۰۶ میلیارد دلار ۱۳۴۹ کاهش یافته است .  
تصور اینکه چند صد میلیون دلار بدین ترتیب نصیب  
کشورهای امپریالیستی شده است آسان میماند .  
صادرات ( از جمله نفت ) واردات ایران بین سالهای  
۱۳۳۲-۱۳۴۲ ۱۱۶ میلیارد ریال کسروازنه داشته و  
بین سالهای ۴۲-۴۷ به چندین برابر رسیده است .  
نتیجه اینکه در سالهای اخیر میلیارد ها دلار سود نصیب  
امپریالیستها شده و با خروج مقدار قابل توجهی ارز از  
کشور سرمایه در کشور گاسته و بیگاری و فرورد بختی را  
بخشیده است .

۲- وامهای خارجی - این منبع نیز از منابع اساسی تأمین  
سود برای امپریالیستهاست . آمار زیر این امر را بسادگی روشن  
میگرداند :

در سال ۱۳۴۸ ۵۰۲ / ۷۰۰ میلیون دلار وام از خارج اخذ شد  
که ۵۰۰ میلیون دلار بهره خالص آن فقط در یکسال بوده است .  
۳- هزینه های دولت - هزینه های دولت بطور عمده از  
حاصل کار زحمتکاران و ثروت طبیعی کشور مالیاتهای غیر  
مستقیم تأمین میگردد . ولی در عمل علیه آنان برای حفظ  
و ادامه استثمار آنان و غارت و جبارول میهن بدست امپری-  
الیسم جهانی صرف میگردد .

یک ششم هزینه های دولت خرج امور نظامی میشود که  
وسیله ای برای حفظ و تحکیم وضع موجود است .  
در مقابل افزایش روز افزون این هزینه ها ، هزینه برای  
فرهنگ و بهداشت هر سال کاهش مییابد و مجموعه این  
دو هزینه کتراز نصف هزینه امور نظامی است .

افزایش هزینه های نظامی باعث گشته که مالیاتهای  
غیر مستقیم بین سالهای ۲۴ تا ۲۴۵ / ۵۰ مرتبه  
و یا ۲ میلیارد ریال بیشتر گرد و این خود فشار مستقیم  
در یکی است بر زحمتکاران میهن که قسمت عمده این نوع  
مالیات را می بردارند .

چنین است همه ای از وضع اقتصادی ، وضع بد بخشها  
و استثمار شدیده توده های وسیع مردم میهن ما اگر این  
وضع ستم ظلم سیاسی و ملی را هیچ اضافه کنیم آنوقت  
بحد حقیقی فشاری را که بر کرده مردم است میتوانیم بهتر  
درک نماییم . کافی است یاد آوریم که ایران از زمان سلطنت  
ما میباشند و نطقهای ایران از ستم ملی شدیده و رنج میرند ،  
که ستم سیاسی نیمه مستمره - نیمه فوری است .  
اعمال زور فاشیستی حکومت شاه در سراسر ایران دیده اند میکند

۲- مخارج و معاضد جشن

در این اوضاع و در این ایام است که رژیم شاه خیمه  
های جشن سلاطین را در خرابه های تخت جمشید برپا  
میکند و میلیارد ها ریال از آرد ناچیز زحمتکاران کشور را  
برای برگزاری مهمانی خود بیهوده میهد .

تخمین میزان واقعی هزینه جشن بخاطر کوشش فراوان  
که رژیم در سکوت گذاشتن آن میباید بسیار مشکل است  
فقط از آن در نشریات خارجی و نشریات شرقی ایرانی  
خارج از کشور شمس گشته است که حد و تصور یکی از  
مقدار این هزینه بدست میدهد .

مجموعه ای که در تخت جمشید برای برگزاری این "جشن"  
شد خلقی در میان دریای از فروردین بختی تهیه دیده  
شده و شامل دهها چادر و قارخانه و سایر مشقات است ،  
هر چادر دارای دو اتاق خواب و حمام و بیابگاه همراهم  
میباشد که همگی مفروض بفرشهای امپریسم است . تکیه چادر  
ها دارای دستگاههای مدرن تهویه خواهد بود . همسر  
چادری دارای سه تلفن بوده و دو تانای آنها با قرضه  
ارتباط دارند که خاطر مهمانان در وقت و وقت انوراحت  
و آسود و باشد .

چادری پذیرائی دارای ۲۰ جلیزگر استالی بوده  
و میلمان آنها به استیل لوتی و انجام گرفته است .  
تنها ۱۰ میلیون ریال خرج ساختمان آمیزشگاه شده است  
دو تن خوابار ( تنی چهار میلیون ریال برابر درآمد سالیانه  
۱۶۰۰ دهقان ایرانی ) بقرولی تنها محصول ایرانی که در  
جشن بکار رفته . قیمت کوچکی از خوراک مهمانان و هزار  
نیمه تا همین نیز قشش از مشروب آنها است .

۵۰۰ میلیون ریال تنها قیمت طرف مشروب خوری میباشد  
که برای جشن سفارش داده شده است .  
برای اقامت بقیه مهمانان که به ۲۰۰ نفر دیگر بالغ  
میشود و هتل نو ساخته شده که ۴۰۰ میلیارد و ۲۵۰  
میلیون ریال مخارج ساختمان آنها شده است .  
در معوطه جشن ۱۶ سالن آرایش قرار میباشند و  
الکساندره ریخته معروفترین شخص از پارسیستول این  
قسمت است و ۳۰ نفر زیر دست او کار خواهند کرد .

لیاسباتی نیز زمین به جواهرات منجمله نوری گشته  
قیمت هر عدد آن بین ۲۰ هزار تا یک میلیون ریال است . بر  
خند متکاران زن جشن سفارش داده شده است .  
مد به شاه به مهمانان خود . قالیچه ظریف با تصویر  
شان است . در ضمن بنا به سبب جشن کتابهای تیکه باطلا ی  
خالص حک شده و سفختان شاه را در بر میگردد توسط -  
شخصین انگلیسی و در جایخانه او در نوری انگلستان  
جای شده است . هده به میگردد .

علاوه بر این در گلیه شهرهای ایران نیز هزینه های  
کذاش صرف شده و بخصوص هزینه های گزافی که مردم  
تحمل میکنند غیر قابل ارزیابی است .  
ساختمان بنای شهید نیز که در ریاضت با جشن ساخته  
شده . هزینه ای برابر ۷۵ میلیون ریال داشته است .

برای آذین بندی و آماده کردن شهر شیراز از جمله  
نوشتن اسامی خیابانها با نشون ، بنا با نای رژیم ۱۳۰  
میلیون ریال بود چه اختصاص داده شده و مخارج جشن  
در تهران و سایر شهرها بحدین برابر مبلغ فوق بالغ میشود  
این مخارج سنگین که به صد ها میلیون دلار میرسد از  
کجا تأمین میشود ؟ بدون شک این مخارج تحمیلی است  
بر مردم زحمتکار و فقیر کشور ما که به شیوه های گوناگون  
چه مستقیم و چه غیر مستقیم صورت میگیرد .

از طرفی بزور مردم برای جشن اعدادی میگردد . در  
این مورد نمونه های زیادی موجود است که مابه چند مثال  
اکتفا میکنیم بقرا اطلاع اهری و بطور متوسط ۱۰ هزار ریال  
از هر کارمند دولت بگروزمینق اهری دریافت میشود . ۲۰۰ ریال  
از یک کاروان ارکلیکه ۲ هزار ریال بزور گرفته شده است .

از طرف دیگر خود رژیم فاش کرد ما است که حدود ۷۰۰  
میلیون ریال بود چه برای جشن اختصاص داده که البته  
در نوع محض است برای انحصار مردم از درک میزان واقعی  
هزینه جشن میباشد . بهر حال این مبلغ نیز متعلق به  
مردم است .

برای درک فشار مادی که جشن برای مردم به بار آورده  
میتوان گفت که تنها در چهار ماه اول سال جاری هزینه  
زندگی ۵۰٪ یعنی چینی بین برابر معمول بالا رفته است .  
تجینا چه میشود ؟ لقمه نان ناچیز کارگر دهقان بر  
را از گلویش میروین میکند و صرف مخارج خاویوش میایسین  
میکند .

صرف این هزینه های عظیم و تمام این سرودها  
برای این است که مردم را از مسائل و نیازهای واقعی  
شان منحرف گردانند . شاه کوشش میکند که با تعریف  
تاریخ و تمدن و فرهنگ جامعه کهن میروند در آن با  
حکومت مطلق شاهنشاهی سلطنت خود را بخشید انسی -  
ناید بری از تمدن و فرهنگ ایران جا زند و حکومت وابسته  
به امپریالیسم خود را در تطابق با نیازهای میهای رشد جا  
وظیفه بهیروزی مردم و آسود سازد .

انزاد نباید بود که جشن باید علاوه بر جوار بگوشی به  
نیاز فوق رژیم ، مسائل زیر نیز پاسخ گو باشد :

۱- امیر برگزاری جشن باید نشان دهد که تهاخت در ایران  
برای طبقات حاکمه موجود است و محیط برای سرمایه گذار  
خارجی این و امان در ضمن به بهانه است جشن می باید  
تعلیقات وسیعی نیز میان افکار عمومی جهان انجام گیرد .  
که تا حد و می شاهد آن هستیم نزدیک و بیجا رابطه  
بیشتر با محافل دولتی کشورهای امپریالیستی .

د دیگری است که برگزار کنندگان جشن در سر دارند .  
از چگونگی برنامه های اعلام شده میتوان فهمید که  
بخش عمده برنامه جشن توجه روزنامه نگاران و خبرنگاران  
خارجی است که از درین اطاقهای هتلهای نوساز چند  
میلیاردی و شهر چادری تخت جمشید "مزد" با بروردن  
" انقلاب سفید " و سبب وضع زندگی مردم ایران را بخارج  
بفرستند .

۳- امپریالیستها نیز همانند امپریالیستها  
بخاطر منافع عظیمی که در ایران بدست آورده اند و سبب  
نموده از آن - در مورد گاز - میتوان اشاره کرد به حما  
همه جانبه برای برگزاری موفقیت آمیز جشن برخاسته اند  
و به بیرونی از آنها روزیونیستهای حزب توده و ایسمان  
در برابر اینهمه غارتگری و ستم به " ایرانی " بودن جشن  
ایران داشته و با به عدم " تصویب " بودجه آن انتقاد میکنند  
و " مبارزه " خود را با جشن در این چارچوب محدود میسازند .

۳- جشن و مبارزه سرد

ضرب الصاعقه که میگوید تپس مخزان سنگی را که بلند  
کرده اند عاقبت بروی پای خود شان خواهد افتاد " و در  
مورد رژیم شاه ایران برگزاری جشن ۲۰۰ ساله این به  
دستی صادق است .  
خواننده ای که ناظر برخورد مردم به ساله جشن است

برای ما چنین میبویسد :  
"یت یه ید به جالب که باید منتظر نتیجه اش بود عکس-  
العمل مردم در مقابل فشار زیاد رژیم بخاطر جشن ۲۵۰  
ساله است . فشار مادی بر مردم واقعاً زیاد است . . . .  
بزور از مردم پول میگیرند . . . آنچه بنظر جالب است ،  
این میباشد که قبل از مردم اگر چه ناراضی بودند ولی  
صدایشان در نی آمد و صورتیکه بر سر ساله جشن صدای  
مردم بطور عجبی در آمده است . . . علنا و صریحاً  
بد ستگاه و جریان جشن و لطف بازبهای آن فضا میدهند  
درست مثل اینکه کار با استفوا نشان رسیده باشد ."

شاه میخواست با برگزاری جشن وضع خود را مستحکم  
کند ، اما این تثبیت همانند سنگی بوده است که روی پا  
افزاده و خود باعث رشد مبارزات مردم گردیده است .  
همه طبقات و اقشار زحمتکش و دموکرات مردم مخالف  
برگزاری جشن هستند . شمار "ملت گرسنه" جشن ۲۵۰  
ساله نمیخواهد "به شمار عمومی تبدیل گشته و از تالیسی  
حقیقی از حرف دل میلیونها میلیون ایرانی زحمتکش میا .  
در خارج کشور هم مبارزه علیه جشن هر روز دانشه  
وسمتری گرفته و توده های وسیعتری در آن شرکت می  
جویند . در اثر این مبارزه برهبری کشف راسون جهانی  
دانشجویان و محصلین ایرانی ، افکار عمومی جهان نیز  
تا حد و می به ماهیت جشن پی برده است و نیروهای  
شرقی و نشریات شرقی و حتی برخی نشریات لیبرال نیز  
در روشن شدن افکار عمومی سهیم هستند .

آنچه این مبارزات و اعتراضات وسیع نشان میدهد  
است که مردم دیگر "گارد به استفوا نشان" رسیده و مبارزه  
علیه برگزاری جشن تبدیل به جنبشی گردیده که هر روز  
رو به بسط و توسعه است . به همین دلیل شرکت در این  
مبارزه برای کلیه نیروهای پیشتاز انقلاب دارای اهمیت  
فراوانی است .

انتخاب شیوه و تاکتیک های صحیح مبارزه علیه جشن  
توسط نیروهای انقلابی ، آنها تیکه عیفا میخوانند تا آخر  
انقلاب کنند و خوب میدانند که تنها راه آن هم از طریق  
جنگ توده ای به رهبری حزب کمونیست است . در ای  
اهمیت بسیار زیاد است .

تجربه نشان میدهد که هر شمار یا تاکتیک که با خوا  
توده ها در یک زمان معینی تطابق نداشته باشد قدرت  
بسج کنند و تشکل دهند نخواهد داشت . حال این  
شعار یا تاکتیک نمیتواند "چپ روانه" یا راست روانه باشد .  
چپ روی و راست روی در سیاست هر دو گرایشهای مس  
باشند که باعث جدائی سازمان سیاسی از توده ها میگردد  
اولی از توده ها جلوی افتد و دومی در تاله روی میکند  
و از توده ها عقب میماند .

روزیونیستهای حزب توده ایران بنسار بر ماهیت  
رفرمیستی و سازشکارانه خود ، از توده ها جدا عمل کرده  
و هنگامیکه توده های خلق به اشکال مختلف حاضر به  
مبارزه علیه برتری جشن هستند ، مدبوحانه میگویند تا  
دانه مبارزه را معدود ساخته و تا حد امکان آنرا در  
چارچوب "انتقاد" از جشن نگه دارند . آنها بدین نظر  
کاری جز خوش خدمتی برای رژیم انجام نموده اند و صلا  
سندی در جلو مبارزات توده ها هستند .

از سوی دیگر بعضی ها از لحاظ تاکتیک به رژیم سر  
خوردی جدی نکرده و عدم تشکل توده ها و عدم وجود  
حزب کمونیست ، ستاد سیاسی طبقه کارگر و رهبری کننده  
خلق را در نظر نمیگیرند ، دارای اندک تئوری بدست  
آوردن "بیروزی سریع" بوده و چنین وانمود میکنند که در  
مدتی کوتاه و حتی در جریان جشن میشود رژیم شاه را  
سرنگون ساخت . دارندگان این نظرات برعکس رویی -  
نویسها که با رژیم ساخته اند ، افراد مبارزی هستند که  
حاضرند بخاطر انقلاب مردم جان خود را فدا کنند . اما  
آنها هم جدا از توده ها عمل کرده و بطور عینی به رشد  
مبارزه توده ای ، به رشد جنبش مارکسیستی - لنینیستی  
در پیوند با کارگران و دهقانان ضرر میزنند .

وظیفه کلیه نیروهای مارکسیستی - لنینیستی و دیگر  
نیروهای انقلابی است که بخاطر حرکت از سطح توده ها  
خود را به مبارزه توده ای ببندازند ، در میان توده ها  
دست به تحقیق و بررسی زنند ، سطح آگاهی توده ها  
را درک کنند ، تا قادر شوند همراه توده ها قدم به قدم  
دشمن را شکست داده و بیروزی بدست آورند .

در شرایط کنونی که مبارزه علیه جشن دانشه وسیعی  
گرفته است ، وظیفه همه انقلابیین است که با توجه بسطح  
مبارزه اکثریت مردم به کار سیاسی دقیق در میان آنها  
پرداخته کمک کنند تا توده ها خود را تشکل ساخته  
مبارزه علیه رژیم را عمیقتر نموده و بسط و توسعه دهند .

به پیش در سمت پیوند با کارگران و دهقانان

# از صمد بیاموزیم

سه سال از مرگ صمد بهرنگی میگذرد، بهترین یاد بود ما از او سخن از اوست، خصوصیات آموختنی صمد بسیارند اما اساسی ترین آنها اعتماد عمیق و ایمان استوار به توده ها و جرات بسیار است. ما در بزرگداشت سالگرد صمد این دو درس بزرگ را بیاموزیم و بیگوشیها الهام از آموزشهای او اعتماد و ایمان خود را نسبت به خلق تقویت نمائیم و پس - هر اس از سختیها و مرگ بخوبی جرات داشته باشیم و در راه خلق مبارزه را به پیش ببریم.

این دو درس بزرگ، یعنی اعتماد به توده ها و جرات به مبارزه در اوضاع کنونی جنبش انقلابی میهن ما دارای جنبه عملی است.

صمد یکی از سیاستمداران جنبش نوین انقلابی روشنفکران ما بود، او کوشید تا درست پیوند جنبش روشنفکران ایران با کارگران و دهقانان گام بردارد. تواناییها و خصایل صمد بیستار است، بگفته یکی از شاگردانش "او روشنفکری بسود مردم خواه و جسور، متواضع و سخت کوش و آزاد اندیش، هرگز نشانه ای از جبن افتادگی و لرزاندگی پیش و عقبه سازی خود فروشی و نظاها و اصرار در راستیها که از خصایل سازش روشنفکران خود خواه است در رفتار و کردار او دیده نمیشد. چگونه صمد با اینهمه خصایل و تواناییها رسیده بود؟ چگونه او توانست بود از نظم و انضباطی که شهرهای بزرگ ایران و اروپا آمریکا برای یک روشنفکر میخواند داشته باشید صرف نظر کند و هر ستاره های در افتادگی را با ایمان که قبل خودش "قوت غالبان سلطنت و شان و بیازاریست" بود؟ چگونه او توانست بر قلب هزاران هزار دهقان و دهقان زاده فقیر را تسخیر کند با آنهایی که بودند؟ چگونه او توانست بود چنانست نویسد با یک کلمه که برای فقیران بنویسد و آنها را نقد رسد و که آنها بتوانند نوشته او را بخوانند؟ مگر روشنفکران دیگری نمیشناسیم که هیچگاه به این خصایل و تواناییهای صمد نرسیده و نخواهند رسید؟ فوج فوج روشنفکران رسیده هستند که بر زندگی نسبتا رفاه خودشان در شهرهای بزرگ اروپا و ایران حسیده اند، نه در درون توده ها را حس میکنند و غمناکند، به زبان آنها چیزی نمیشود، نه تعلقشان با خلق توده ها میباشد و نه کار و آثارشان در زندگی توده ها تاثیر میگذارد. پس روز موفقیت صمد در چیست؟ گفتم این روزها باید در احساسات عمیق طبقاتی صمد نسبت به توده ها جستجو کرد بلکه شاید آن در دامان رنج و محرومیت و ستمپوشی یافت، هر چه بیشتر ستمیست، با محرومیت و ستم بیشتر آشنا میشد و حس میکرد که هیچ وقت نمیتواند و نباید ستمپوشی خود را از ستمپوشی مردم دیگر با آنها ستمپوشی جدا کند. او به توده های زحمتکش پیوسته به فقیرترین آنها عشق میورزید، عمیقاً از درد رنج آنها متأثر بود، نسبت به دشمنان آنها نفرت عمیق داشت.

این احساس عالی و انقلابی صدر داد دهقانان و کارگران و اطفال آنها حس میکردند، صمد با اینگونه روشنفکری بنا داشت که آنها را از اوج اوج گردید و تقاللات زیادی در روزنامه ها از او منتشر شد در آرای آنها همان احساسات گرم طبقاتی نسبت به زحمتکش بود که "بقولی" بین او و دهقانانسی جماعت هیچ فرقی نبود، او با آن کت شکی اش سالهای سال توی جاده ها بود، پای پیاده از دهی دهی میزد، در کورس رفت او هیچ نشانه ای از ستمپوشی نداشت، او در طول راه - در سه مید آنچه در ده و قبرستان، گلایه در سر راه میکرد و در زندگی روستایی شرکت داشت، هر خرم در مجالس ختم قرأت قرآن، در مساجد، عروسی، همه جا حضور داشت.

بقولی دیگر او با تمام مردم ساده در نهایت میهنی و دلجوئی برخورد و رفتار میکرد، از هوشمندی با انسان و کلمه به ایشان لذت میبرد، به قدری ساده لباس میپوشید که با کارگران ساده کویچه بازار اشتباه میشد، آفتاب در برابر هر چه زشت و پلید بود، رفتاری بیگانه و استوار داشت.

ما این احساسات گرم صدر را به توده ها و نفرت عمیق او را به توتشندان در حرفهای عروسک سخنگو در اول قصه "آل و وز عروسک سخنگو" میبینیم:

"حرف آخر اینکه هیچ بچه عزیز کردنی از من نبود پسندی حق نه ارد قصه من و آل و وزا بخواند، بخصوص بچه های توتشندی که وقتی تو ما شنید میپوشند، پیچیدند و خودشان را یک سرور گردان از بچه های فقیر و ولگرد کنار خیابان بالاتر میپوشند و به بچه های کارگر هم محل نمیدانند. آن آقای بهرنگ خود تر گفتند که قصه ما پیشتر بیشتر برای همان بچه های ولگرد و فقیر کارگر میپوشید."

صمد نه تنها به زحمتکش عشق فراوان میورزید و از

# رفیق تلیا کارگر کمونیست

"رفیق تلیا" ما شنیدیم "نبود، او اوتکا" به کوششهای خودش خواندن و نوشتن را آموخت و آگاهی طبقاتی یافت، او بعد از ترک دهکده "چاکانی" که در آن تولد یافته بود، به تظلم رفت و در خانه شخصی بکار نوکری پرداخت، در اینجا بود که او زبان روس را یاد گرفت و علاقه زیادی به کتاب خواندن پیدا کرد. او خیلی زود از نوکری خسته شد و در کارگاه تجاری راه آهن کاری برای خود یافت.

این کارگاهها مدرسه ای برای او بودند. او در آنجا سوسیال-دمکرات شد، آیدیده شد، و مبارز سرسختی گردید. در آنجا بود که او به تابه کارگری توانا و آگاه در صفت اول جنبه بسیار فرار گرفت.

تلیا در طی سالهای ۱۹۰۱ - ۱۹۰۰ یکی از رهبران برجسته و مبرز احترام کارگران پیشرو بود. او در زمان تظاهرات نظمین در سال ۱۹۰۱ در نوکری استراحت بخود نداد، تلیا تمام وقت اضافی خود را صرف تبلیغ کردن، سازماندهی، شرکت در جلسات و کوشش دیگر در آموختن اصول سوسیالیسم میکرد. سپس در زیر دنیال او ایستاد و طی خود این امر شور و انزوی او را در مبارزه چند برابر کرده بود. رفیق تلیا الهام بخش تظاهرات سال ۱۹۰۳ در تظلم بود. تلیا قدم قدم او را تعقیب میکرد و سعی با وجود این از در این تظاهرات پرچم سرخ را برافراشت و سخنرانی کرد. بعد از این تظاهرات او بطور کامل مغنی گردید. در آنسال تلیا بر طبق دستور حزب به "مسافرت" از شهری بشهر دیگر پرداخت، او در همانسال بدستور حزب به بطور رفتن در آنجا یک چاپخانه مخفی پیوسته آورد. ولی در حالیکه لوایز این چاپخانه را همراه داشت در ایستگاه راه آهن با طوم توسط پلیس دستگیر شد و مدت کوتاهی بعد بزندان کوتایس انتقال یافت. این واقعه دوران جدیدی را در مبارزات خستگی ناپذیر او آشود.

تلیا در مدت حبس ماهی که در زندان بود حتی لحظه ای از وقت خود را تلف نکرد. زندان مدرسه دوم او گردید. مطالعه دانش خواندن کتابهای سوسیالیستی و شرکت در مباحثات بطور قابل توجهی معلولت او را افزایش داد. در اینجا روحیه انقلابی و انقیاد ناپذیر او که بسیاری از رفقای بیرون رشک میدیدند بطور شگفتی آیدیده شد. ولی زندان طوق مرگ را نیز بر سر گذاشت. او در زندان بیک بیماری کشنده (سل) مبتلا گشت، بیماری ای که بالاخره رفیق عزیز ما را روانه گورستان کرد.

تلیا از بیماری و غم رکننده خود اطلاع داشت ولی این موضوع کوچکترین تزلزلی در اراده اش وارد نمیکرد. تنها چیزی که او را رنج میداد "بیگانه گشتن و فعالیت نکردن" بود. او میگفت: "چقدر آرزو میکنم که روزی آزاد شوم... توده ها را دوباره ببینم، خود را در رفوش آنها بیافکشم، بار دیگر خدمتشان در آیم!" این رؤیای رفیق ما بالاخره به واقعیت پیوست، هجده ماه بعد او بزندان کوتایس "کوچک" منتقل شد و موفق گردید از آن فرار کند و بار دیگر به تظلم بیاید. در آن زمان در حزب دوسوسیالیستی جریان داشت. رفیق تلیا در ابتدا مشغول بود ولی بهیچوجه شیا همتی به مشغولیت های رسمی که مشغول را "قرآن" خود میدانستند و خود را آن میبای

اوجرات میبخشد که با اطمینان خوانند و زبان براند آمدند. پاشا اسم "قیادت" را به جولان در آوردیم اگر مرد میدان داری کوشش آید، اینک بیاید و زور و بازی مردان بنگرد و اندامش از خون گلگون شود. کجا اولو بر خصم و بیگانه سر خم نمیکند مرد هرگز سر بی غوغا نهد ارد. نمره در جهان میافکشم و برای دشمن دشمنی بر میافکشم، کوشش آید!

مقابل این روحیه عالی صمد در نبراسیدن از سختیها و مرگ و نیروی عظیم بود که او را بطول برای تسخیر سنگرهای نوین در نبرد طبقاتی سوق میداد، او نیک میدانست که تسخیر این راه های پیچید و خیم او را برای همیشه در برک ها، زنجیره ها ننگ خواهد داشت و از آنجا و آفتاب و دریا دور بودن رنگ چهره و اندیشه را که در میگذرد، رامند و میسازد.

او به حرکت و شرکت در مبارزات توده های عشق میورزید و از

دشمنان آنان نفرت عمیق بداشت بلکه او عمیقاً معتقد بود که توده ها نیروی لازمی و سزایند تاریخ اند، بیگوشیها این اعتقاد صمد بر زندگی اش جلوه گر میشدند. صمد مثل هر جوان انقلابی دیگر همیشه مایوس و متواضع و متواضع بود، خواهان بر جیدن نظاها را با بسبب رعیتی، خواهان کوتاه شدن دست امیر - پالیستها و نوکران آنها از ایران بود، او آرزو میکرد که ایرانی آزاد، مرفه و آباد بیسود آید که در آن زحمتکشان آذربایجان گرد و بلوغ، عرب و دزدان خلقها همتی ستمپوش خود را به دست گیرند و بیکرحت ظلم پیوسته نباشند، بهیچ وقت و غیره ننگ نداشته باشند، اما صمد نیک میدانست که برای رسیدن به این خواست و آرزو تنها راه موجود است و آنهم از طریق توده ها و بدست خود آنهاست. در مشخصه کوچکترین خیال واهی که جدا از توده های ملیونی پیروز دهقانان میتوان اوضاع ایران را تغییر انقلابی داد وجود نداشت.

صمد توده ها را "میتا" همه نیروها میداند و نیروی او را شکست ناپذیر بر تمام دشمنی میپوشد و از زبان خود او توصیف قدرت خلق را بشنویم، ببینیم چگونه زور و قدرت کورا اولو قهرمان آهنگرانی آن را بیان را با ما شناساند. او میگفت: "قدرت کورا اولو همان قدرته توده های مردم است، قدرت لازمی که منشا همه قدرتهاست، بزرگترین خصوصیت کورا اولو تکیه کردن به ایمان داشتن بدین قدرت است."

در حقیقت این آید کورا اولو صمد است که قدرت کورا اولو را از توده های خلق میداند و این بزرگترین خصوصیت خود صمد است که توده ها تکیه میکنند به آنها ایمان دارند. علاوه بر این صمد توده ها را قهرمانان واقعی، صاحبان دانش واقعی میدانست، او زمانی در این مورد نوشت:

"ما هرگز نمیتوانیم خدمات عظیم توده ها را مردم را که همه تکامل معنوی نوع بشر کرد، مانده اند، به بگویم، ما کمترین کوشش نمیشدیم و معروف میپوشید،" توده مردم نه تنها انبوهی است که ارزشهای مادی را تولید میکند، همچنین منبع شعر بخش و ایمان ناپذیر برای روشنیهای معنوی است." توده های مردم نخستین شاعران و فیلسوفان و ستایشگرندگان گان زمین بودند. هنرمند، فرهنگ و علم همواره از کار و کوشش خلاقه توده مردم نشانی میکنند."

صمد قبل از آنکه علم توده ها با عده کوچک کوششها شاگرد آنها گردید، او را بنویسید نوشت: "از دانشمرا که در آنجا و بهر ستمی یکبار در ایام که تمام تعلیمات در میان دانشمرا کسک بوده است."

او مضمونش آثارش را میان توده ها میبافت و هرگاه قصای میبوست با آنها قبل از چاپ برای بچه ها میخواند تا نظردهند. کمبودهایش را در اینگونه، بقولی بعد از چاپ هم "هزاران هزار نامه ایچه ها باو میسود... برای او میبوشند که اگر "آل و وز" فلان کار را میکرد بهتر نبود؟"

صمد نه تنها به همه این نامه ها جواب میگفت بلکه با تواضع کامل، هر کسی حرف درستی میزد میبوست و بقولی یکی از شاگردانش او "متواضع بود و اصرار در راستیها که خصایل بارز روشنفکران خود خواهد است در رفتار و کردار او دیده نمیشد صمد توانا بود. چون به آینه تابناک خلق بسیار امید داشت، خوب میدانست فردای روشنی پس از شب تاریک است. او در هر که های خود در ارگ آل و وز، در ایام هرگز و در بارها می دید که در آن میبوشند، میبینم ماهی آزاد زندگی می کنند او سرچهری تاریخ را در این میدید که در پی آرزو کساح ستارگان و استشارگران بدست مردم فرو خواهد ریخت و در میهن ما نظامی نوین که در آن کارگران و دهقانان حاکمیت دارند برپا خواهد شد.

چنین است جهان بینی صمد و او میفایده توده ها عشق میورزید و از دشمنان آنها نفرت دارد، او با اعتماد کامل به توده ها با آنها اتکا میکند. او توده ها را قهرمانان واقعی و دانا میدانست و صرفت واقعی را در میان آنها میبویید. او به آینه تابناک توده ها، به جهان بسیار روشن فردا، جهانی خالی از امیرالیسم و فساد و ستم و سرمایهداری و استثمار انسان از انسان ایمان دارد.

این آید کورا اولو و جهان بینی صمد، او را تسخیر نا پذیر، شجاع و بی هراس از سختیها و مرگ گردانست. صمد با این جهان بینی جرات دارد "سلطان راه را از پای ستمپوشی کند". صمد بدستور شیخ کورا اولو در جهان بینی توده های او جستجو میکند، او دوباره کورا اولو نیست "کورا اولو نیک میدانست مبارزای که عدالت و خلقی پیشانیانسی باشند چهره اش دارد، او به هر طرف روسی آورد خود را برقی در ستم و احترام میبوشند، همین است که در میدان جنگ

بامسک و بلشویکها را مرتد میدانستند نداشت. تلیا با آن کارگران با اصطلاح "بیشتر که خود را سوسیال-دمکرات های ما دراز" میداند و از روی نادانی کامل بسک خنده داری در میزنند: "ما کارگریم، ما احتیاج به شناختند آیم!" هم کوچکترین وجه مشترکی نداشت، صفت مشخصه رفیق تلیا درست در این بود که او تعصبات گروهی را طرد میکرد، در نیالعمری کورا اولو را تحقیر نمیکرد و میخواست همه چیز را با اتکا به فکر خودش دریابد. به همین دلیل بود که او محض آزاد شدن از زندان مطالعه کتابهای:

"صوت جلسات تکذبه دوم"، "مناظره" نوشته مارتف، و "چه باید کرد؟" و "یک گام به پیش و گام پس" نوشته لنین پرداخت. قیافه تلیا که با چهره رنگ پریده و موافق خود در مطالعه این کتابها رفتی نند بود واقعا تماشایی بود. او به تسم میگفت: "حالا میفهمم که تصمیم با اینکه بلشویک یا مضمونک بشوم کارچندان آسانی نیست. تنها وقتیکه این کتابها مطالعه نکردم مضمون من پایهای پیشانی پیش اندرد." و بدین طریق بعد از مطالعه نوشته های لازم، بعد از تحقق در باره اختلافات میان بلشویک، مضمونکها و بعد از تسخیر همگی و تسمها بعد از همان کارها رفیق تلیا اعلام کرد: "رفضا من بلشویک هستم. تا آنجا که من میفهمم هر کس بلشویک نباشد مسلما به روحیه انقلابی مارکسیسم خیانت کرده است! بعد از این جریان او بد افترسخت مارکسیسم انقلابی (بلشویسم) گردید. در سال ۱۹۰۵ بدستور تشکیلات با کورفت، او در آنجا چاپخانه ای دایر کرد، کار تشکیلات محل را بهبود داد، یکی از اعضای رهبری تشکیلات شد و مقاله هایی برای روزنامه "مبارز و ولتاریا" (ارگان رسمی حزب سوسیال دمکرات روس در قفقاز) نوشت. در دوره حملات مشهور پلیس او نیز دستگیر شد ولی باز هم موفق به فرار گردید و دوباره به تظلم آمد. تلیا بعد از مدت کوتاهی فعالیت در رهبری تشکیلات تظلم در سال ۱۹۰۵ در کنفرانس سراسری بلشویکهای روس که در "نارفرس" تشکیل شد شرکت کرد. در برخورد او با این کنفرانس خیلی جالب بود. او برای حزب آیدیده درخشانی میدید و با چشمانی که از خوشحالی برق میزد میگفت: "من هرگز از صرف آخرین قطره خون در راه این حزب فروگرداری نخواهم کرد." با کمال تاسف او بعد از برانیت به روسیه دوباره بستری شد و دیگر هیچ وقت نتوانست از بستری بیماری برخوردار. از این به بعد او بطور جدی میبوشند که برداشت، او در دوره بیماری کتابهای: "آنچه که احتیاج داریم..." "مردگان قدیم و جدید" "آثار شیم و سوسیال دمکراسی"، "چرا با بلاکمست میگویند" و کتابهای دیگری تألیف کرد.

تلیا چند روز قبل از مرگش با نوشت که مشغول کار برآ تهیه جزوهای درباره تاریخ سوسیال دمکراسی در قفقاز است ولی مرگ نا بهنگام بیه رحمانه قلم رفیق خستگی ناپذیر ما را گرفت.

اینست داستان زندگی کوتاه ولی توان آسای رفیق تلیا. توانایی، بنظر، انرژی، تامل، استقامت، عشق به انقلاب، اراده قهرمانانه و استعداد شکست ناپذیر - اینهاست خصایل رفیق تلیا.

مردانی چون تلیا تنها در میان صفوف بیولتاریا یافت میشوند. تنها بیولتاریا آیدیده قهرمانانی چون تلیا است. بیولتاریا انتقام خود را از ستم نکبت باوری که رفیق کارگر ما و تلیا را قربانی ساخت خواهد ستانند.

۲۲ مارس ۱۹۰۷ نوشته: ژوزف استالین

دانشن را در کور و حرکت و بطریق اولی با زتاب حرکت میدانست اشتباهیاید کرد که او به ندانکاری بیگانه آیدید زدن معتقد نبود، ولی برای نتیجه ترس از حرکت، ندانستن را با بهانه میکرد و ایمان به حرکت را در آغاز حرکت بهترین میدانست. او به خوبی از مشکلات، آزاره و پیچیدگی و خطرات باخبر بود و اصولاً آگاهی به این واقعات بود که او راه انتخاب چنین سبک کاری گشاید، یعنی مجلسی در واقعات ترسناکها، خودش به روشنی میبویید، "کار سختی است، و خیلی چیزها را باید شناخت و بررسی کرد تا به این هدف رسید کارمن دیدن و نشان دادن وسط گرد است و ادعا هم نمیکند موفق میبوشم." ولی او میدانست اگر او موفق نشود صد های دیگری راهی گورد خواهند شد و "کلاغها یکی درتا نیستند، با مردن و کشته شدن تمام نمیشوند، اگر یکی بمیرد، دو تا بدنی میآید.

حرف صمد درست در آمد، کلاغها یکی درتوانند، با مرگ او، صد های دیگری خواهند آمد و آموختن از راه او را ادامه میدهند، صمد مملو خوب صد های دیگر است.

# با اتکا، بتوده ها پرچم انقلاب را برافراشته تر سازیم

# خلق را متحد کنیم ، دشمن را درهم شکنیم!

مقاله زیر نتیجه مطالعه گروهی است که کمیته ایالتی " هویدی " حزب کمونیست چین از مقاله " درباره سیاست است" است.

رهبر کبیر ما صدر مائو اثر برجسته خود " درباره سیاست" را در دسامبر ۱۹۴۰ در مرحله ای حساس هنگامیکه جنگ مقاومت چین علیه ژاپن وارد مرحله تعادل استراتژیک شد و حملات ضد کمونیستی گومینگ آن در اوج خود بود نوشت.

با بکار بردن ماتریالیسم-دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی صدر مائو بطور علمی در این اثر خود تضاد های اجتماعی و مناسبات طبقاتی را در آن زمان تحلیل کرد و شکافان خط مشی ها و سیاست های نادرست راست و " چپ " چپ و وان مین برتد و امثال آن را انتقاد نمود. بطور منظم تجزیه غنی حزب در مبارزه طولانی ضد برتجیمین گومینگ آن را جمع بندی کرد بطور نافذی-تفسیری و تکامل سیاست های حزب را در طول جنگ مقاومت توضیح داد و اصول تاکتیکی و سیاست های مشخص مختلفی را در نتیجه متحد ملی ضد ژاپنی برای حزب پایه ریخت. این امر حزب ما را قادر نمود در شرایط مبارزاتی بسیار مزبور در چهار سردرگمی نشود. به روشنی سبیل را ببیند. در عین حال بنوع خود بتواند اجرای خط مشی صحیح صدر مائو و پیروزی در جنگ مقاومت ضد ژاپن را تضمین نماید.

اصول و سیاست های مختلف تاکتیکی که توسط صدر مائو تدوین شده اند بازتابی از قوانین عینی مبارزه طبقاتی بود و میان روحیه انقلاب تا با آخرین پیروتری و نرمش پذیری در فن مبارزه است. آنها اندیشه های مارکسیستی-لنینیستی را در زمینه تاکتیک غنی ساخته و تکامل دادند و در شکست دشمن و کسب پیروزی در مراحل مختلف تاریخی مبارزات انقلابی نقش عظیمی داشتند. آنها برای همیشه سلاح پیروتری قدرتمندی در دست ما ساختن خلق و درهم شکستن دشمن باقی خواهند ماند.

صدر مائو همیشه برای نقش تعیین کننده سیاست و تاکتیک های پرولتاریا اهمیت بزرگی قایل شده است. او گفت: " پرولتاریا برای کسب پیروزی مجبور است تمام ابرصحت و استواری تاشیک مبارزاتی حزب خود یعنی حزب کمونیست تکیه کند. " او در هر مرحله تاریخی نه تنها خط مشی عام سیاست عام حزب را تعیین ساخت بلکه در رابطه با مبارزه موجود اصول تاکتیکی و سیاست های مختلف مشخص را هم روشن نمود. تاکتیکها و سیاست های انقلابی صدر مائو ناشی از مشی عام انقلابی اوست در حالیکه سیاست های اشتباه آمیزی توسط شارلاتان های سیاسی نظیر چن دوسو وان مین ، لیوشائوچی ارائه میشدند و قیافه رخنه های عمیق ساختن خط مشی های اپورتونیستی " چپ" و راست آنها بود مابین بد آن مناسبت که جوانب مختلف مبارزه بین و در خط مشی خود را بصورت مبارزه بین دو نوع سیاست مشخص مختلف جلوه گر میسازد.

" سیاست پیدا حرکت گویه فعالیت های عینی یک حزب انقلابی است که در پیرو و در نتیجه نهایی فعالیت های حزب تجلی می یابد. "

برای درک عمیق و بکار برد صحیح سیاست های پرولتاری صدر مائو ضروریست بطور روشن اساسی را که این اصول و سیاست های تاکتیکی بر آن قرار دارند بشناسیم. آسوزگار بزرگ لنین یاد آور شد: " تنها پایه حساب آوردن مجموعه مناسبات عینی بین تمام طبقات در جامعه و همچنین با همه حساب آوردن در مرحله عینی رشد آن جامعه و مناسبات بین آن و جوامع دیگر است که میتوان پایه ای برای تاکتیک های طبقه پیشرو را نهاد. "

این آموزشها میگوید که اصول تاکتیکی و سیاست های مارکسیستی باید بر اساس بررسی صحیح و تحلیل مشخص از اوضاع مبارزات طبقاتی در سطح جهانی وطنی، از مناسبات بین طبقات مختلف و تغییرات و رشد آنها قرار گیرد.

بدون تمایز، سیاست نمیتواند موجود باشد. باید مارکسیستها بطور صحیح تضاد های مشخص را تحلیل کنند. صدر مائو یاد آور شد: " باید بر اساس درک مناسبات درونی آنها ( طبقات اجتماعی مختلف) و ارزیابی صحیح از نیرو های طبقاتی فرموله کردن تاکتیکهای صحیح برای مبارزه، معین ساختن اینکه کدام طبقات نیروی عمده انقلاب هستند و با کدام طبقات باید متحد شد و کدام طبقات را باید برانداخت. به برد ازم. "

اصول و سیاست های تاکتیکی صدر مائو و رهبر اساس تحلیل طبقاتی قرار دارند. دید بین منظور آورده شده و تا بتوانیم مناسبات صحیح بین دشمنان و دشمنان خود را تعیین نمائیم. تمام نیروهای را که میسرود متحد کرد. متحد سازیم و سرخترین دشمنان را که اقلیتی ناچیز هستند منفرد ساخته و مورد حمله قرار دهیم و بدین ترتیب بطور اتمی در انقلاب پیروزی بدست آوریم.

از آنجا که تضاد بین چین و ژاپن در جنگ مقاومت حادث شد و به تضاد عمده تبدیل گردید تضاد های طبقاتی داخلی به تضاد های غیر عمده و ثانوی تبدیل شدند و تغییرات ناشی از آن در مناسبات بین المللی و مناسبات طبقاتی داخلی مرحله نوینی را در اوضاع رشد یافته بوجود آورد.

صدر مائو بر پایه تحلیل علمی از خصوصیات اساسی وضع مبارزه طبقاتی در نوشته " درباره سیاست" بطور عمیق و صحیحی در اوضاع پیچیده جهانی و مناسبات طبقاتی داخلی در شرایط تاریخی آن در توضیحی قائل شد و سیاست ما را بر اساس آن بنا نهاد تا بتوانیم جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را تشکیل و توسعه بخشیم. و امیرالیسم ژاپن را بشکست کمانیم.

در تحلیل از مناسبات بین طبقات مختلف داخلی و برخورد های سیاسی متفاوت آنها، صدر مائو در درجه اول موکدا یاد آور شد: " در دوران جبهه واحد سیاست ما باید سیاست حفظ استقلال و در اشدن ابتکار باشد. یعنی هم وحدت و هم استقلال ضرورت دارند. " تمام آنها تکیه خواستار مقاومت در برابر ژاپن اند ( یعنی گویه ضد ژاپنیها از کارگر، دهقان، سرباز، دانشجو، روشنفکر، بازرگان ) را باید در جبهه متحد ملی ضد ژاپنی و متحد ساختن آنها بتواند دشمن عمده آن زمان یعنی امیرالیسم ژاپن، شکست زنجیرش، خائنان و عناصر طرفه ارازم را درهم شکست.

چه برخوردی در حزب و در جریان جنگ مقاومت ضد ژاپنی به طبقات مختلف در داخل کشور داشت؟ صدر مائو بطور روشنی یاد آور شد: " در برخورد به مناسبات طبقات مختلف کشور، سیاست اساسی ما عبارتست از توسعه نیروها شرقی و جلب نیروهای بیجان و منفرد ساختن سرخترین ضد کمونیست" برای تربیت مجموع حزب و اجرای این اصل هدایت کننده صدر مائو بطور مشخصی دستور طبقاتی نیروهای شرقی، نیروهای بیجان و سرخترین ضد کمونیست را نشان داد.

توسعه نیروهای شرقی یعنی گسترش نیروهای پرولتر در هقانی و خود و پیروزی شهری، یعنی توسعه بی پروای ارتش هشتم و ارتش چهارم و پنجم، یعنی برقراری پایگاه های در مکرانیک ضد ژاپنی بطور وسیع، یعنی توسعه سازمان های کمونیستی در سراسر کشور و گسترش بی پروای جنبش توده های کارگران، دهقانان، جوانان، زنان و بچه ها و غیره بسپرد در انتقاد از نقطه نظری اپورتونیسم راست که از توسعه بی پروای نیروهای ضد ژاپنی هراس داشت صدر مائو یاد آور شد: " فقط با پیگیری در گسترش نیروهای شرقی می توان از وضع شدن اوضاع جلوگیری نمود، مانع تسلیم طلبی و انشعاب شد و پایه ای محکم و خراب نشدنی را برای پیروزی در جنگ مقاومت بنا نهاد. " این اصل هدایت کننده، بسط و توسعه نیروهای خلق را پایه فعالیت ها قرار میدهد. این اصل همیشه نقطه حرکت اساسی حزب ما برای درهم شکستن دشمن می بوده است. همچنین صدر مائو یاد آورید اینک " جلب نیروهای بیجان یعنی وظیفه بسیار مهمی برای ما در دوره جبهه واحد ضد ژاپنی می باشد" از نقطه نظر " چپ " که به مسأله جلب نیروهای بیجان یعنی نتیجه نی کرد انتقاد نمود و با تحلیل عمیق شرایط مختلف انجام این امر را نشان داد. شرایط عبارت بودند از - هنگامیکه مانع روشنی کافی داریم، - هنگامیکه ما به منافع نیروهای بیجان یعنی احترام میگذاریم، - هنگامیکه ما قاطعانه علیه مرتجعین سرختر مبارزه میکنیم و بطور بی کور پیروزی بدست می آوریم.

برای منفرد ساختن مرتجعین سرختر صدر مائو تحلیل عمیق و مشخص نمود و بین نیروهای اجتماعی مختلف و گروه های سیاسی اردوی دشمن و نیروهای بیجان یعنی تمایز قائل شد. او یاد آور شد که بین مالکان بزرگ و پیروزی بزرگ طرفه ارازم که مخالف مقاومت علیه ژاپن هستند و مالکان بزرگ و پیروزی بزرگ طرفه ارازم که موافق مقاومت علیه ژاپن میباشند، باید تمایز گذاشت. همچنین باید بین مالکان بزرگ و پیروزی بزرگ در اول که تمایل به مقاومت داشته ولی تزلزلی نشان میدهند و آنها تکیه

موافق وحدت بوده ولی ضد کمونیست هستند با پیروزی ملی، مالکان متوسط و کوچک و مستند بین روشن بین کسه و وگانه آنها کشر تظاهر میکنند، تمایز گذاشت.

" ما با امیرالیسم نیز همینطور برخورد میکنیم" حزب کمونیست با هرگونه امیرالیسم مخالف است، اما ما بین امیرالیسم ژاپن متجاوز و چین و دیگر کشورهای امیرالیستی تفاوت گذاشته و همچنین بین کشورهای امیرالیستی مختلف، که سیاست های مختلفی را تحت شرایط مختلف و در زمانهای مختلفی اتخاذ میکنند، تفاوت گذاشتیم.

صدر مائو با بکار بردن دیالکتیک انقلابی، دوگانگی شدن یگانگی و تمایز علمی قایل شدن در اردوی دشمن پر روشنی نشان داد که دشمن عمده دشمن غیر عمده و متحد بین موقتی و متحد بین غیر مستقیم چه کسانی هستند. چنین تمایز قایل شدن در دقیق و مشخص به حد زیادی باعث منفرد ساختن دشمن عمده و چین در آن زمان - امیرالیستهای ژاپن - که چین را مورد تجاوز قرار داده بودند - گردید. درست بخاطر اینکه تمام حزب اصول و سیاست های تاکتیکی صدر مائو را در رابطه با مسأله اساسی، " به کی باید انکار کرد، با کی باید متحد شد و به کی باید حمله کرد، " را اجرا نمود ما توانستیم در جریان جنگ مقاومت مشکلاتی را که بر اثر خط مشی های نادرست بوجود آمده بودند رفع نمائیم و بیلبونیا مردم را متشکل سازیم، یک ارتش قوی انقلابی بوجود آوریم، نبرد های انقلابی خلق را توسعه بخشیم، پشتیبانی و کمک خلقهای سراسر جهان را بخود جلب کنیم حملات سرختران ضد کمونیست را جواب گوئیم، کاملاً دشمن عمده آن زمان، امیرالیسم ژاپن را درهم شکنیم و پیروزی بزرگ در جنگ مقاومت بدست آوریم.

بر اساس تحلیلی عمیق از مناسبات میان طبقات مختلف صدر مائو در مقاله " درباره سیاست" بطور روشنی اصل تاکتیکی مهمی را در مبارزه علیه دشمن عرضه داشت.

" بهره برداری از تضاد ها، جلب اکثریت، مبارزه با اقلیت، درهم شکست یگانگی دشمنان، این اصل که تمام حزب بدان مسلح گشت، نه تنها در گذشته نقش تعیین کننده ای در مبارزه علیه دشمن ایفا نمود، بلکه در مبارزه عملی امروز نیز هنوز سلاح برنده است در دست ما برای

درهم شکستن دشمن و بدست آوردن پیروزی. کشورهای امیرالیستی و اقتدار طبقاتی مختلف، در آورده شده ها و گروه های اردوی دشمن، بخاطر حفظ نیروهای ارتجاعی خود و بخاطر استعمار و استثمار به خلقها جبراً با هم تکیه کرده و دست بدست هم میدهند. اما در عین حال جبراً بخاطر ماهیت طبقاتیشان بین آنها تضاد ها و رقابت های فراوان بوجود می آید. اینک این تضاد ها واقعیت عینی هستند یعنی آن است که خارج از خواست ذهنی مرتجعین، بطور مستقل موجودند. نظریه ای که معتقد است دشمنان همه یکسان هستند، وجوهی که یک ست را تشکیل میدهند با واقعیت عینی تطابق ندارند. علاوه بر این، بارش اوضاع و احوال توسعه روز افزون نیروهای انقلابی خلق، تضاد های دشمنان ما بیشتر خواهد می شوند. پرولتاریا و حزمش باید بیاموزد که وضع طبقات را در سطح بین المللی و داخلی، در دوره های مختلف تاریخی بطور صحیح تحلیل کند و " تمام جدالها شکافها و تضاد های درون اردوی دشمن را غنیمت بشمارد و از آنها علیه دشمن عمده روز استفاده نماید. " تحلیل صدر مائو از اردوی دشمن کاملاً با قوانین عینی رشد یافته ها تطابق دارد. چهار تضاد اساسی در جهان کنونی موجود است: بین ملت های مستعمره و فاشیست و امیرالیسم و سوسیال امیرالیسم از سوی دیگر، بین پرولتاریا و پیروزی در کشورهای سرمایه داری و پیروزی بین امیرالیستها و سوسیال امیرالیستها، بین کشورهای سوسیالیستی از یک طرف و امیرالیسم و سوسیال امیرالیسم از طرف دیگر. گویه این تضاد ها آتش ناپذیرند، وجود و رشد آنها با اجبار باعث انقلاب میشود. برای مثال امیرالیسم آمریکا و سوسیال امیرالیسم برای تقسیم مجدد جهان در مناطق بیجان یعنی در حال تکیه و رقابتند، و هر روز به توسعه نیروهای تجاوزگر خود می افزایند. این باعث رستاخیز خلقهای سراسر جهان علیه آنها شده است. برای سرکوب ساختن انقلاب خلقها و ملل مستعمره و جهان امیرالیسم آمریکا و سوسیال امیرالیستها تکیه میکنند اما در عین حال بخاطر اوضاع منافع امیرالیستی خود شده اند بر رقابت برمیخیزند، که رقابت آنها در خارج میانه هر اروپا و دریای مدیترانه شامل آنست. این نوع رقابتها هر

روز شد بدتر میگردد و تکیه و رقابت آنها باعث ادامه و رشد مبارزه خلقهای مستعمره و جهان خواهد شد. بنابراین این تحلیل از اردوی دشمن که در این اثر صدر مائو آمده است دارای اهمیت هدایت کننده ای بزرگ در درک صحیح اوضاع بین المللی کنونی میباشد.

اصول تاکتیکی که صدر مائو در مبارزه علیه دشمن عرضه داشته، وحدت و دیالکتیک یا فشاری روی اصول و کسالت نورش پذیری می باشد. بکار بردن تاکتیکهای نورش پذیری در مبارزه، بخود بخاطر رسیدن به اصل انقلابی است. صدر مائو به ما می آموزد " ما باید روی اصول یا فشاری کنیم، ما در عین حال برای رسیدن به اصولمان تا آنجا که مجبوریم عرض است باید نورش پذیری را بشناسیم. " ماهیت امیرالیسم و گویه مرتجعین هرگز تغییر نمی کند. بطور اجتناب ناپذیری، حقوق دشمن آنها در تمام اوقات این است که خلقهای انقلابی سراسر جهان را تحت ستم قرار داده، آنها را استعمار و و با امر انقلابی خلقهای همه کشورها مخالفت ورزند. اما این فقط یک طرف سگ است، سگ طرف دیگری هم دارد و آن اینست که بطور عینی برای امیرالیستها و مرتجعین در رسیدن به خواستهای ضد انقلابیشان بطور اجتناب ناپذیر بود و روش تاکتیک های ضد انقلابی آنها را عرض کرده و آنان را مجبور به اتخاذ تاکتیک دوگانه ضد انقلابی میکردند ما بسهم خود باید زمان را در برابر اوضاع متغیر ها و مشکلات دشمن استفاده کنیم، مبارزه مشت در مقابل مشت را علیه او به پیش ببریم و سخت کوشش نمائیم تا حد امکان بخاطر منافع اساسی خلق موقیبت بدست آورده و در مبارزه علیه دشمن پیروزی کسب نمائیم. برای درهم شکنش تاکتیک دوگانه ضد انقلابی دشمن، ما باید یک سیاست انقلابی دوگانه ای اتخاذ کنیم، در حالیکه روی مبارزه مسلحانه بعنوان شکل عمده مبارزه یا فشاری میکنیم، ما باید همچنین باشکال مختلف دیگر در مبارزه علیه دشمن در جبهه های زیاد دیگری توجه کنیم. اشکال مختلف تاکتیکهای نورش

پذیری، در مبارزه علیه دشمن ضرورت دارد.

پرولتاریا باید برای تحکیم و توسعه جبهه متحد انقلابی سیاستی صحیح اتخاذ کند. در مقاله " درباره سیاست" صدر مائو بطور موجزی سیاست در جبهه واحد ملی ضد ژاپنی را جمع بندی کرد. او یاد آور شد که در چنین جبهه واحدی سیاست ما عبارتست از وحدت با همه تشبیهی و اعراض از مبارزه و نیز عبارتست از مبارزه با همه تشبیهی و اعراض از وحدت، بلکه ترکیبی است از وحدت و مبارزه با هم.

وحدت و مبارزه - این دو یک وحدت و دیالکتیکی را تشکیل میدهند. این سیاست ترکیب وحدت و مبارزه که دارای خصالت دوگانه است ناشی از ماهیت دوگانگی آنهاست که باید در جبهه واحد متحد شوند. در دوره جنگ مقاومت، ما بایستی با گویه اقتدار اجتماعی ضد امیرالیسم ژاپن متحد شد و جبهه واحدی با آنها تشکیل داد. اما ما مطابق با درجه تسلیم طلبی ضد کمونیستی و تزلزل ضد توده های آنها، به اشکال مختلف با آنان به مبارزه پرداختیم. در جبهه واحد ضد ژاپنی در رابطه با مناسبات بین وحدت و مبارزه صدر مائو گفت:

" مبارزه وسیله رسیدن به وحدت است و وحدت هدف مبارزه است. اگر از طریق مبارزه به وحدت نائل آئیم این وحدت دوام خواهد یافت، و اگر از طریق تسلیم شدن به آن نائل آئیم، این وحدت دوام نخواهد کرد. " از مبارزه و تکیه ای و بدون توجه به ابرم وحدت انجام گیرد، ما قادر نمیشویم تمام نیروهای ملکه را متحد سازیم و جبهه واحد انقلابی را تحکیم بخشیم. و توسعه مهم ما همچنین قادر نخواهیم شد دشمن عمده را منفرد شده و به بدست کشانیم. در نتیجه در مبارزه علیه او پیروزی به دست نخواهیم آورد. اگر وحدت به تشبیهی و بدون توجه به مبارزه صورت گیرد ما موضع انقلابی و اصول خود را از دست داده، رهبری انقلابی حزب را در جبهه واحد رها میکنیم، حزب را از لحاظ ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی متلاشی نموده و در نتیجه انقلاب با شکست روبرو میشود. صدر مائو با قاطعیت یاد آور شد: " هر دو سیاستهای افراطی ( وحدت به تشبیهی و اعراض از مبارزه و مبارزه به تشبیهی و اعراض از وحدت) باعث خسارات بزرگی به حزب و انقلاب شدند. در سببهای بخون آغشته، آموزنده و عمیق از این سیاست اشتباه آمیز در تاریخ حزب ما فراوان است. چن دوسو وان مین، لیوشائوچی و امثالهم بیگانه از خط مشی های اپورتونیستی " چپ " راست خود را اعمال میکردند. آنها هرگز به تحلیل علمی طبقاتی دست

بقیه در صفحه ششم

# پرولتاریای جهان، خلقها و ملل ستم دیده متحد شوید!

# کودکان ما

دوستی با منویسه :

" آنها در قره . . . نزد یک . . . زندگی میکردند پدرشان دهقان خیلی فقیری بود. مادرشان مریضه و مرد و آنها بیتم شدند. پدرشان خیلی فقیر بود. بچه هارابه نوکری پیشتر بودند. آن " د " داد. بعدا پسر بزرگ کچل شد و دیگر او را به نوکری قبول نکردند. پدرشان دیگر نتوانست در ده زمین بکار. کار دیگری هم پیدا نکرد. از فرط بدبختی برای قاچاقچیان، تریاک حمل میکرد و پول میگرفت. او را بعد از چند مدت گرفتند و بزندان انداختند. پسر کوچک همچنان نوکر بود و پسر بزرگ که کچل شده بود به نوکری قبولش نمیکردند با گدائی و درزی زندگی میکرد. پس از دو سال پدرشان از زندان آزاد شد و دست بچه هایش را گرفت و به شهر آمد و در شهر به عطلی بر داشت و بچه ها را به کارگاه قالیبافی فرستاد. بچه ها شش ماه در کارگاه بجائی کار میکردند. این مرد با زن رختشویی ازدواج کرد که آن زن هم یک دختر کوچک داشت. اینها با بدبختی زندگی میکردند و در همسایگی ما مینستند.

پدر بچه ها برای اینکه زندگی شان را خوب کنند دوباره با قاچاقچیان بکاربرد اخت و باره دستگیر و بزندان افتاد و این چهار نفر دوباره بی سرپرست ماندند (دو پسر زن و دختر زن). پسر هاراضح زود یک نان و بقد آری خرماد و ده شغال خود میگذاشتند و تا عصر در کارگاه کار میکردند. بچه ها شبها هم استراحت نداشتند و شبها هم در خانه نخ کلاف میکردند و برای هر کیلو ده ریال پول میگرفتند و هر شب چهار نفری با هزار زحمت چهار کیلو بیشتر نمیتوانستند کلاف کنند. روزانه پسرها نوری، ۲ ریال حقوق میگرفتند و با آن کرایه خانه میدادند و زندگی میکردند و همچنین کسی برای پدرشان بزندان میفرستادند. آنها به رس خیلی علاقه داشتند ولی افسوس آنقدر زود بخت بودند که نتوانستند در درس بخوانند. پسر بزرگ میگفت " در ده مجاور یک مدرسه بود و بچه هائی که نوکری نبودند و با گاو و گوسفند به آن دره برای درس خواندن میرفتند. ولی من چون نوکر بودم نمی توانستم مدرسه بروم. بعدا که کچل شدم و ارباب مرا از نوکری اخراج کرد. با زن توانستم مدرسه بروم چون پسر درم در زندان بود و ما چیزی نداشتیم.

بعضی مواقع این پسر هاراضح کار دستشان زخمی میشد و بابه چشم دردمتلا میشدند و ارباب کارگاه چند روزی آنها را بیگانه میکرد. در این چند روز اینها به کویچه میآمدند و با حسرت به بچه های دیگر که بازی میکردند نگاه میکردند. بچه های کویچه آنها را سرخ میزدند. چون پسر بزرگ کچل بود او را بیشتر سرخ میکردند و گلاش را بزین می انداختند. ولی پسر بزرگ هم هر کسی او را سرخ میکرد حسابی کتک میزد و میگفت. من از هیچ چیز نمیترسم اگر بزندان ببرند من پیش پدرم میروم و از کارگاه راحت میشوم. زمستانها هواد رطوبت ما خیلی سرد است. آنها بسا کفتشای پاره و لباسهای کهنه لوزان لوزان صبح زود به کارگاه میرفتند.

بعضی از شبهای زمستان که نخ کلاف نمیکردند. یا آنها بخانه میآمدند و با ما بخانه آنها میفرستادند و زیر کرسی می نشستیم. آنها از رفتارهای افسران زندان و رفتارهای ارباب کارگاه صحبت میکردند. پسر بزرگ میگفت اگر بزرگتر شدم به کویچه میروم و اینجا راحت میشوم و پول جمع میکنم.

این وضع زندگی در نواز زکود کان فقیر بود. حالا با زهم خان فرخ بگوید که بین فرزندان من و فرزندان دیگر از لحاظ زندگی و درس هیچ فرقی نیست.

خان فرخ هر چه میخواهد بگوید. روزی میرسد که این کودکان زجر کشیده و اسلحه بدست میگیرند و دهان خانم فرخ را برای همیشه میبندند.

نوشته بالا درل هراسانی را که به فقیران و زحمتکشان عشق میوروز. میآزارد. نفرت او را نسبت به رژیم حاکم که باعث تصام این بدبختی هاست. بره میانگیرد.

سالهاست که میلیونها میلیون کودک فقیرما از آنجا که در او در زمان غذا و پوشاک ندارند جان میدهند و طبقات حاکم با مکیدن خون پدران و مادران زحمتکش آنها را کودکان خود را در ناز و نعمت میبروراند.

سالها پیش بروین اعتراض وضع کودکان فقیر بود بدبختی های آنها را بزبان شعر چنین توصیف کرد :

دی، کودکی بد امن مادر گویست زار  
کز کودکان کوی بمن کس نظر نداشت

ظلمی مرا ز پهلوی خود بی گناه راند  
آن تیر طعنه زخمی کم از نیشتر نداشت

هرگز درین مطبخ من هیزبی نسوخت  
وین شمع روشنائی از این بیشتر نداشت  
همسایگان ما سره و سرخ میخورند  
کس جز من و تو قوت ز خون جگر نداشت  
بروصله های بیرهنم خسته میزنند  
دینار و درهمی پندرسگر نداشت  
خند بد و لغت. آنکه بقدر تو طعن نوز  
از دانه های گهر اشک خورند نداشت  
از زندگی پدر خود میسر از آنک  
چیزی بخیر تیشه و داس و تبر نداشت

آیا پس از سالها حکومت پهلوی با آن همه ادعاها و " انقلابات " کوتاگون وضع کودکان ما همان نیست که بروین اعتراض توصیف میکند ؟ دوست ما " ع " در بالا زندگی واقعی و در بیشتر شرح داد.

مانام یکی دیگر از خوانندگان " ستاره سرخ " را که اخیرا دریافت کرد ایم. نقل میکند خوانندگان ما با زهم بیشتر با وضع زندگی کودکان زحمتکش میهنمان آشنا شوند. نویسنده کان مبارز ستاره سرخ - در زیر چند جمله ای از روزنامه را که از شماره ۳۰۰ " ستاره سرخ " شماره ۵۰ مورخ ۳۰ تیر ۱۳۵۰، بجا رسیده است برایتان ارسال میکنم :

" . . . آنچه در بند و اثر هرات زواری را دچار حیرت میکند عدم کشاورزی و نبودن گاو و گوسفند و همچنین سبزی و درخت در این آباد نیست . . . " مور واقع آران مرکز قالی بافی کاشان است. بعد از کارگاههای قالیبافی آران میرویم. در این کارگاهها ماتنها زنان و کودکان را به سردار قالی میبینیم. میگویند : اغلب زنان این منطقه به قالیبافی مشغولند هنگام وضع حمل ناچار به سزارین میشوند و این بخاطر اینست که چون اینان از زکود کی پشت در قالی نشسته اند زهمان ابتدا استخوانهای لگن خاصره شان انحنای پیدا میکند و نتیجه موقع وضع حمل ناچارند بچه هایشان را بصورت غوطه خیزی بدنیاب آورند. بطور تقریب میتوان گفت در تمامی آران و کاشان و اطراف پانزده هزار دستگاه قالیبافی وجود دارد که در حد و چهار پنج هزار نفر بیاتن قالی مشغولند . . . قالی باغان در این منطقه چهار گروه تقسیم میشوند : اول - زنانی که در این کارگاهها بافتن قالی میکنند و در دهه های گذشته بر شوهر داری (!!) و آسبزی و رختشویی و . . . بکار اصلی خود قالیبافی میبرد از زند - دوم - مردان زن در قالیبافی که بخصوص در چند سال اخیر بخاطر خشک شدن قالیهای مزارع اطراف و در نتیجه از بین رفتن مزارع آنها بکار قالیبافی روی آورده اند. سوم - دخترهای ده ساله است. یعنی تا زمانیکه شوهر کنند. بد نیست بدانید که دختران در این مناطق خیلی زود بخانه شوهر میروند و در سن خیلی کم صاحب چند بچه هستند و در نتیجه درسی سالگی چهره های بیروشان گسسته اند. چهارم - پسران هستند که اکثر بکار قالیبافی مشغولند و حتی آنها هم بکعبه مدرسه میروند بعد از اینکه از مدرسه بر میگردند پشت در قالی قرار میگیرند و همچنین در تمام طول تعطیل مد ارس.

( پایان نقل قول از سید و ساه - تکیه از ستاره سرخ )  
" توجه کنید ! این قسمتهای کوتاه از زندگی یکی از بزرگوارهای " سازمان امنیت " است. نه از یک نشریه شرقی. ببینید در همین چند سطر تا چه حد تاثیر " معجزه آسا " و درخشان " انقلاب سفید " که کوس و کزنای نرفتنانگیز آن کوشش را آزار میدهند. در تمام زمینهای آن آزاد ی زنان " آزادی دهقانان " و " رفاه کارگران و زحمتکشان " گرفتند ! بلی کردن آب " و بقیه مزخرفات نهالسه آن. مشهور است.

ولی از آنجا که این بوق پسانها جز چاپلوسی تپوع آبر و فاع بیشترانه از رژیم ضد خلقی و خائن شاه و وظیفه دیگری برای خود نمیباشند و " سید و ساه " هم از این قاعده مستثنی نیست. اینست که در شماره بعد ( ۵۱ مورخ ۶ مرداد ۱۳۵۰ ) به توجیه آن برید اختیاست و توضیحی " در باره آران چاپ کرد هاست. که آنرا نیز بخاطر روشنتر شدن درجه و قلمت این سگهای سر به آستان رژیم ارسال میداریم.

دیری نخواهد پایتد که خلق قهرمان ما بخواهد خاست و با موجی از خشم انقلابی رژیم ننگین پهلوی را نابود خواهد کرد و بساط دلقک بازیهای از نسوج " جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی " را بر خواهد چید .

# واقعیت روستای ایران

شاه این نوکر سرسره امیر یالیم، باره یگور رجریان دلقک بازی افتتاح مجلسین در باره آزادی دهقانستان دروغ های شاخه از گفت و ادعاهای زیاد نمود.

خوانندگان ستاره سرخ، بقلم نویسنده کان مختلف که خود مستقیم شاهد واقعیات روستاهای ایران بود مانند در شماره های قبل گوشه هائی از ظلمت های بی حد و حصر نسبت بد دهقانان و مبارزه آنها را دیده اند و خوب میدانند که حرفهای شاه جز ادعا و دروغ نیست.

مادر این ستون نامه یك خواننده د یگور خود را چاپ میکنم. از آنجا که این نامه دست ما برده از ماهیست شرکهای تعاونی روستائی رژیم بر میدارد. قبل از آوردن آن بخشی از مزخرفات شاه را در باره شرکهای تعاونی نقل میکنم چیزی هم اضافه نمیکم جز بیینی شعرا و مولانا و قضاوت را در این مورد به خوانندگان و اولاد ازمیکم.

مولانا میگوید :

ما زبان را ننگریم و قبال را  
مادون را بننگریم و حمال را

شاه در افتتاح مجلسین :

" در حال حاضر ۸۳۲۰ واحد شرکت ها و اتحادیه های تعاونی روستائی با بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر خاتوار زارع عضو و سرمایه و ذخیره ای متجاوز از سیلیار ریال در حوزه عمل قریب ۲۸ هزار روستا فعالیت دارد ".

و حال نامه دست مبارز خود را بخوانیم و ببینیم چگونه اند این شرکهای تعاونی شاهانه !

" صبح زود بود. صدای مثنوی اسماعیل را میشنیدم که از صاحبخانه ام میرسید. " سرگارسای از خواب بلند شد ؟ " مثنوی تقی جواب داد " نه صد و پنجاه نفر نگاه میکنم در راه باز کرد. گفتیم " بگو بیاید تو ". مثنوی اسماعیل آمد تو سلام کرد و گفت " سرگار امروز ما در شرکت تعاونی توام مباره. برای اینکه سرما کلاه تره لطفاً شما هم تشریف بیاورید " گفتیم " خوب وقتی آمد خوب کن ".

ساعت ده صبح بود توی کلاس درس میگفتم که جیب سبزی رنگی جلوی مدرسه ترسز کرد. جوانی باکت و شلوار سرمه ای با پیراهن سفید و کراوات قرمز در حالیکه کیف سیاه رنگی را محکم بدست میفشرد پیاده شد. سلام سرگارسایا بهم یک دقیقه کتک میکید کتک این وامبارا بکنم ؟ " گفتیم خوب میآیم ". در این موقع مثنوی اسماعیل سر رسید. او را پیش که خند افرستاد و سفارش کرد که جیبه نهار را ز ساد سرخ نکند. مثنوی اسماعیل خندید و رفت. بصر کلاس را مامور نظم کردم و به منزل گفتم خدا روانه شدیم.

جاده بیش از انداز گلی بود. چند روز پشت سر هم بود که باران میآمد. گد خدا میگفت که چند سال گدشته از اداره عمران در هات آمده اند و گفتند تا یکجا که دیگر جاده را شن ریزی میکنم پولی تا حالا خبری نشده. مامور شرکت هر قدمی که بر میداشت : صد تا بدو بپروا به اهالی بد میداد که " اینها هم آدم نمیشوند. این جاده است ! اینها عادت کرده اند مثل حیوانات زندگی بکنند ".

درم خانه گد خدا رسیدیم. جمعیت نسبتاً زیاد ی توی



کودکان تولید کننده کان بزرگ قالی

" در باره روستا " آران شهری در میان کوی " نیز نماینده ما اطلاع داده است که در آنجا کودکان کمتر از ۳ سال طبق قانون اجازه قالیبافی ندارند و عکسی که چاپ شد مربوط بکودکانی است که با مادر خود بکارگاه آمده بعضا خود را با این کار سرگرم میکنند . "

شماره سرخ - ماعکس و توضیح اصلی آن را که مجله سید و ساه در شماره ۵۰ همراه مقاله چاپ کرده در عین حال " توضیح " شماره ۱۰۱ آن مجله را نقل میکنم و قضاوت را به خوانندگان خود و اولاد ارمینانیم !

حیاط گد خد اجمع شده بودند و اکثریک در فترجه سبزی نکی نیز در دست داشتند. وقتی که نزد یک جمعیت رسیدیم نگاه ها همه به کیف متوجه شدند. مامور شرکت خود شو گرفت و وارد اطاق شد. من مشغول احوال گیری با مردم شدم. مراد سرش را بخل گوشه آورد و گفت " سرگارا اجازه میدی کیفشو بلند کنم ". بعد هر دو خندیدیم. او همش در اینجور فکر ها بود. یاد م میآوردی چه جور با آب و تاب تعریف میکرد که تفنگ زاندارمی را که در ده زورگشته بود. در زده بود و بعد از آنکه شنید زاندارم زندانی شده. بدلت بحال او سوخته و شبانه تفنگ را به شهرونده و بحیاط زاندارمی انداخته بود.

وارد اطاق شدم. توی اطاق جاشی برای نشستن نبود احمد آقا جایش را بمن داد. در د سبک و جیبی تمام فضای اطاق را گرفته بود. پسر گد خدا جانی آورد.

مامور مدتی از مزایای شرکت تعاونی تعریف کرد و اسامی وام گیرندگان را خواند.

تقی فرزند رضا، اولین نفر بود که وام میگرفت. مامور گفت " چقدر رسیم داری ؟ " تقی جواب داد " . . . تومان " مامور حساب کرد و گفت " سه برابر سهم وام میدهم و از این مبلغ ۲۵ تومان برای ساختمان شرکت تعاونی در ده کم میکنم و ۴ درصد شرکت را هم که طبق معمول کسر خواهیم کرد. و ۶ تومان نیز بخاطر ایمن کارت ( کارت عضویت در حزب ایران و نوین ) کسر میکنم که حق تو میشود : " ۲۵۷ تومان " . بچه های تقی ماتش زده بود. نمیدانست چه کاریکه در حالیکه بخش گرفته بود. ۲۵۷ تومان و کارت سفید را بروی مامور برت کرد و گفت " اولاً شرکت باید قانونی باشد. برابر سهم وام بدد. ثانیاً ساختمان را قرار است خود ما یک اطاق در ده درست کنیم و بعد آن کافه ( کارت حزب ایران نوین ) را من نمیخواهم. دفعه قبل کتاب شاه را داشت ( منظور کتاب انقلاب سفید است ) و ده تومان گرفتید که توی طاقچه گد داشته ام. من که سواد ندارم. آقای رئیس من زخم توی بیمارستان است. پول د وایش را ندارم. من با این پول نزد یک عید چکار بکنم. کود برای مزه بگرم یا برای بچه ها خرج بکنم " او کوبه کتان اطاق را ترک کرد سرم را پائین انداخته بودم. راستش خجالت صو کشیدم بروی مردم نگاه بکنم. نفر دوم مراد بود او تمبیح درشتی در دستش بود. آمد جلو نشست. هر چه گفتی در مورد ده برابر پول ساختمان گفته بود تکرار کرد و اضافه نمود که من عضو حزب مردم هستم. کارت ایران نوین را نمی خواهم مامور گفت " مرتیکه چرا دروغ میگی. این منطقه در اختیار ایران نوین گد داشته شده. حزب مردم از . . . تا منطقه . . . بیآید. مراد گفت " اینها را که گفتی بنویس. مامور عصبانی شد. گفت " بد رسوخته مراتب بد میدگی ؟ اصلاً تو وام نمیدی. مراد بلند شد در حالیکه بیرون میرفت به اشاره چشم مردم نیز دنبالش راه افتادند و اطاق تقریباً خالی شد. مردم از وام گرفتن خود داری کردند.

مامور عصبانی بود. در حالیکه غرولند میکرد. بند وسط را جمع کرد و بره افتاد. بعد از چند دقیقه من نیز راه افتادم. در بستان را بمهر کلاس تعطیل کرده بود و بچه ها با صف بخانه هایشان میرفتند. ظنی را دیدم که خوشحال بخانه میروند. شاید خبرند است که پدرش دیگر نمیتواند با او شرکت تعاونی جمعیه خود کاررنگی را که از چند ماه قبل برایش قول داده بخورد. نزد یک مدرسه رسیدیم. ماشین باز آنجا بود و مردم در بیماشین جمع شده بودند. وقتی نزد یک ماشین رسیدیم متوجه شدم که چهار چرخش را پنجر کرده اند. در حالیکه از این جریان خوشحال بود پدر در لپه مراد آفرین میگفتم.

چند صد قدم دورتر مامور شرکت تعاونی را میدیدم که کیفش را محکم زیر بغلش زده و سر بالائی جاده را میپایه باران بهشت میبارید.

شاه در افتتاح مجلسین :

" در حال حاضر ۸۳۲۰ واحد شرکت ها و اتحادیه های تعاونی روستائی با بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر خاتوار زارع عضو و سرمایه و ذخیره ای متجاوز از سیلیار ریال در حوزه عمل قریب ۲۸ هزار روستا فعالیت دارد ".

و حال نامه دست مبارز خود را بخوانیم و ببینیم چگونه اند این شرکهای تعاونی شاهانه !

" صبح زود بود. صدای مثنوی اسماعیل را میشنیدم که از صاحبخانه ام میرسید. " سرگارسای از خواب بلند شد ؟ " مثنوی تقی جواب داد " نه صد و پنجاه نفر نگاه میکنم در راه باز کرد. گفتیم " بگو بیاید تو ". مثنوی اسماعیل آمد تو سلام کرد و گفت " سرگار امروز ما در شرکت تعاونی توام مباره. برای اینکه سرما کلاه تره لطفاً شما هم تشریف بیاورید " گفتیم " خوب وقتی آمد خوب کن ".

ساعت ده صبح بود توی کلاس درس میگفتم که جیب سبزی رنگی جلوی مدرسه ترسز کرد. جوانی باکت و شلوار سرمه ای با پیراهن سفید و کراوات قرمز در حالیکه کیف سیاه رنگی را محکم بدست میفشرد پیاده شد. سلام سرگارسایا بهم یک دقیقه کتک میکید کتک این وامبارا بکنم ؟ " گفتیم خوب میآیم ". در این موقع مثنوی اسماعیل سر رسید. او را پیش که خند افرستاد و سفارش کرد که جیبه نهار را ز ساد سرخ نکند. مثنوی اسماعیل خندید و رفت. بصر کلاس را مامور نظم کردم و به منزل گفتم خدا روانه شدیم.

جاده بیش از انداز گلی بود. چند روز پشت سر هم بود که باران میآمد. گد خدا میگفت که چند سال گدشته از اداره عمران در هات آمده اند و گفتند تا یکجا که دیگر جاده را شن ریزی میکنم پولی تا حالا خبری نشده. مامور شرکت هر قدمی که بر میداشت : صد تا بدو بپروا به اهالی بد میداد که " اینها هم آدم نمیشوند. این جاده است ! اینها عادت کرده اند مثل حیوانات زندگی بکنند ".

درم خانه گد خدا رسیدیم. جمعیت نسبتاً زیاد ی توی

☆☆☆

## ستاره سرخ را بخوانید و به ایران بفرستید!

نشانی  
توده و ستاره سرخ

آدرس پستی :  
Mrs. PAOLA DI CORI  
C.F. 493 S.SILVESTRO ROMA - ITALY

# به خلق خدمت کنیم

# مردم ایران برای رفائی میهن رستان از زندان، شکنجه و اعدام مبارزه کنید

سرکشی، زندان، شکنجه و اعدام مبارزان انقلابی توسط رژیم شاه در ماههای اخیر بنسبت جشن ۲۵۰۰ ساله بطور شدیدی افزایش یافته است. این از یکسو نشانه رشد مبارزه مردم و از سوی دیگر نمود آری از ترس و وحشت رژیم می باشد. طبق اخبار واصله در ماههای اخیر هزاران نفر از مردم رانحت عنوان اقدامات احتیاطی دستگیر کرده اند. در ضمن اخیر از میان مبارزان خارج کشور که در زندانهای رژیم بسر میبرند و در برابر شکنجه ها و فشارهای گوناگون بطور استوار

مبارزه میبرند.

مبارزه میبرند و در برابر شکنجه ها و فشارهای گوناگون بطور استوار مبارزه میبرند.

- ۱- سعید محسن فارغ التحصیل سال ۴۱ دانشگاه فنی تهران کارشناس تاسیسات وزارت کشور.
- ۲- پرویز یغمایی رئیس بانک صادرات شعبه آرامگاه ۳۰ - لطف الله میثمی فارغ التحصیل سال ۴۲ دانشگاه فنی تهران کارشناس شرکت نفت لاوان ۴ - مهدی فیروزیان فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی تهران کارشناس شهرسازی شهرداری تهران ۵ - علی بیاکری فارغ التحصیل سال ۴۵ دانشگاه فنی تهران آستان دانشگاه صنعتی آریا مهر شاگرد اول دانشگاه ۶ - بهمن یازگانی فارغ التحصیل سال ۴۵ ساختمان دانشگاه فنی تهران کارشناس وزارت اقتصاد ۷ - محمد یازگانی فارغ التحصیل دانشگاه بازرگانی (برادر بهمن) ۸ - منصور یازگانی فارغ التحصیل جغرافیای دانشگاه مشهد دبیر دبیرستانهای ساره ۹ - مسعود رجوی فارغ التحصیل رشته سیاسی دانشگاه تهران

- ۱۰ - رضا رفائی دانشجوی سال آخر دندانپزشکی دانشگاه تهران ۱۱ - محمود عسگری فارغ التحصیل دانشگاه بازرگانی کارمند سابق مائین سازی تبریز ۱۲ - رضا بناکری دانشجوی دانشگاه صنعتی (برادر علی باکری) ۱۳ - ناصر صادق فارغ التحصیل سال ۴۵ مکانیک دانشگاه فنی کارمند برق منطقه فارس شاگرد اول دانشگاه و قهرمان ریاضیات ۱۴ - فتح الله ارزنگ خامنه‌ای، دانشجوی دانشگاه هنرهای زیبا رشته معماری ۱۵ - محمد ساجدیسان فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی کارشناس سازمان بزنا در اداره تربیت بدنی

- ۱۶ - محمد ابراهیم جوهری فارغ التحصیل دانشگاه صنعتی ۱۷ - احمد خریف نژاد فارغ التحصیل دانشگاه ادبیات تبریز ۱۸ - موسی نصیر اوقلو خیاپانی دانشجوی سال آخر رشته فیزیک دانشگاه تهران ۱۹ - کاظم شفیعیان دانشجوی سال آخر رشته زمین شناسی دانشگاه تهران ۲۰ - محمد اکبری فارغ التحصیل رشته شیمی دانشگاه تهران ۲۱ - حسن راهسی فارغ التحصیل هنرهای عالی و کارشناس سازمان مسکن ۲۲ - محمد علی رحمانی فارغ التحصیل دانشگاه کشاورزی دانشگاه تهران سال ۴۷

- ۲۳ - ابراهیم راوی دانشجوی دانشگاه اقتصاد دانشگاه تهران ۲۴ - محمد تقی شهرام فارغ التحصیل رشته ریاضی دانشگاه تهران ۲۵ - محمد صادق دانشجوی فیزیک دانشگاه آریامهر ۲۶ - حسین خسرو شاهی فارغ التحصیل رشته فیزیک و ستوان دوم نیروی هوایی ۲۷ - هوشمند ارزنگ خامنه‌ای دانشجوی دانشگاه اقتصاد تهران ۲۸ - مصطفی ملایری دانشجوی دانشگاه آریامهر ۲۹ - محمد رضا خوانساری دانشجوی آریامهر ۳۰ - حبیب مکرم دوست دانشجو

فارغ التحصیل سال ۴۸ دانشگاه فنی. ضمنا آقایان دکتر سعید محمد میلانی فارغ التحصیل سال ۴۳ دانشگاه تبریز آستان اطفال بیمارستان پهلوی و دکتر احمد طباطبائی فارغ التحصیل دانشگاه تهران و آستان بیمارستان پهلوی به جرم دوستی با بعضی از افراد فوق الذکر بازداشت شده اند. کلیه این افراد زیر شکنجه و فشار شدید قرار دارند. به جز این همه افراد بسیار زیاد دیگری هم در روزهای اخیر توسط رژیم دستگیر شده اند.

در سال گذشته وقتی بعضی از افراد این گروه قصد پیوستن به انقلاب فلسطین را داشتند در دهی بازداشت شدند و چند ماه بعد دوستانان همراهمانی را که میخواست آنان را برای تحویل به رژیم به ایران ببرند در آسمان تحت کنترول در آورده و به کشور عراق پناهنده شدند. از آنجا این مبارزان عازم فلسطین شدند تا در این کانون انقلاب بهمراهی برادران فلسطینی بر تجارت خویش بیفزایند و بتوانند وظیفه مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی را عمیقتر و استوارتر دنبال کنند.

مردم فلسطین. جان این مردان در خطر است. این وظیفه دوستی که در روشن ساختن این جنایات در آستانه جشن های تخت جمشید بگوشی دستگاه هیچگونه اظهاری از این دستگیری و دیگر دستگیریهای روزهای اخیر نمیکنند ولسی نمیکنند روزی بخود آتی که این مبارزان تحت شکنجه های وحشیانه رژیم زجر کشنده باشند. و این اولین بار نخواهد بود که رژیم چنین توطئه ای را در مورد زندانیان سیاسی - انقلابی علی می کند.

برای نجات این زندانیان از همه تقاضای کمک داریم.

شور و سوسیالیستی جهان فراهم نمودند. در این موقع حزب کمونیست چین، شوب رهبری رفیق مائوتسه دین علیه این جریان ضد انقلابی خروشیجی مبارزه قاطع برخاسته و خلق صبرمان چین علیه فتنه های ضد اقتصادی از طرف خروشیجی برای فیلاندن تزیهای رژیونیستی خود، با تحمل مشکلات زیاد ناشی از آن، با روحیه عالی انترناسیونالیستی برجم انقلابی مارکسیسم - لنینیسم را برافراشته نهد است و با صحنه از اصول دفاع کرد.

این موضعگیری قاطع حزب کمونیست چین همراهِ دیگر احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی، نقطه عطف مهمی در رشد جنبش کمونیستی و انقلابی جهان پس از بروز رژیونیسم جدید محسوب میگردد و دیدن شک خلق حزب و دولت جمهوری توده های چین سهم بزرگی در این مبارزه محسوب دارند.

از آن زمان تا بحال، شوروی سوسیالیستی تبدیل به یک کشور سوسیالیست - امپریالیستی گردیده و تزارهای نوین به عبت میگویند جمهوری توده های چین را حاکم نموده و به آن تجاوز نمایند. سوسیالیست - امپریالیستهای شوروی همواره امپریالیسم امریکاعقل می کنند. آنها کشیده و میکشند چین را حاکم نموده و نابود سازند. هم اکنون سوسیالیست - امپریالیستهای پیش از یک میلیون ارتش مسلح به سلاحهای هسته ای در مرزهای جمهوری توده های چین مستقر ساخته اند و به تهدید آن میپردازند. آنها نه تنها حکومت ارتجاعی هند را تاندانند از علیه چین مسلح ساخته اند بلکه به رشد میلیتاریسم زاین کمک می نمایند. اما همانطور که امپریالیسم امریکایانام قدرت را بر کف دست است. ماهیت سوسیالیست - امپریالیسم شوروی نیز چنین است.

خلق ۷۰۰ میلیونی چین تحت رهبری حزب کمونیست چین و در رأس آن صدراعظم درین قرن گذشته بکرات ثابت گردیده است که قادر است بزرگترین و مقتدرترین قدرتها را در هم شکند و به انقلاب تاخود ادامه دهد. هم اکنون خلق قهرمان چین آید به تراز انقلاب عظیم فرهنگی پرولتری و بیرون آید و با رژیم بیشتره مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دین مسلح شده است. این ارتش قدرتمند توده ای خود، با ۲۰۰ میلیون چریک توده ای تحت رهبری حزب کبیر و راستین کمونیست با پیروی از منی انقلابی رفیق مائو تمه دین چون بازی استوار در ظرف انقلاب جهانی قرار دارد و به نیروی شکست ناپذیر تبدیل گردیده است.

امروز چین سرخ تحت رهبری رفیق مائوتسه دین الهام بخش مبارزات کلبه خلقهای جهان میباشد.

زنده باد چین سوسیالیستی، پایگاه سرخ انقلاب جهانی! مستحکم باد همبستگی رژیمه خلقهای چین و ایران!

سازیم، بطور عمده جانبه و منظم سیاستها و تاکتیکهای حتر را درک کنیم و کوشش نمائیم در علی ساختن سیاستها از انحراف به گرایشهای اشتباه آمیز "چپ" و راست بسر گذریم.

اصول و سیاستهای تاکتیک صدر مائو هم بازنهایی از قوانین اساسی انقلاب پرولتری و هم انعکاسی از قوانین مشخص مراحل مشخص و زبانه های تاریخی مختلف اند آنها وحدت و یالکتیکی عام و خاص بودن تفاه هستند. و درک همه جانبه و منظم از آنها ضروری است. اگر ما در درک اصول و سیاستهای مختلف تاکتیک حزب نقطه نظر اید الیستی و متافیزیکی بکار ببریم و برخوردی یک جانبه داشته و دیدیم ها را در حالت سکون و بیجا از هم بپیمیم مسائل بمرجع را کاملاً منفی و یا کاملاً مثبت ارزیابی نمائیم در چنین حالتی بطور اجتناب ناپذیر در جریان پیاده کردن سیاستها به "چپ" یا راست خواهیم افتاد. باید شیوه علمی مارکسیستی صدر مائو یعنی - تحقیق و بررسی و مطالعه و وضوح اجتهاد بررسی دقیق تحلیل و مطالعه مبارزه طبقاتی بخرنج در سطح بین - الطلی و ملی، مناسبات میان طبقات مختلف تغییرات و تکامل آنها، تشخیص صحیح میان دین و فساد مختلف ویر خورد صحیح با آنها، مبارزات در شناختن تضاد های مختلف اادی دین و نمون استفاده از آنها، تمایز گذاری بین افراد مختلف و شرایط مختلف بکار بردن رهبری و برخورد به مسائل در چار دهنی گیری یک جانبه گیری یا تصنع نشدن، از برخورد مطلق کردن هر چه در مانده به افکار خود امکان دید هم تا بطور اتمی با تغییر اوضاع عینی خود را تطابق دهد، بدین ترتیب میتوانیم بطور استوار ایستاده، از تزلزل جلو گیریم، از برخورد کورکورانه اجتناب ببریم و آگاهی خود را در پیاده کردن سیاستهای حزب بالا ببریم.

بقیه خلق را متحد کنیم. . . .

نزدند همیشه از تمایز طبقاتی گذشتن سرپیچی کردند و مناسبات بین دشمن و خودی را وارونه نمودند. آنها سه چه در دوره انقلاب دموکراتیک و چه در جریان انقلاب سوسیالیستی همیشه با تحلیل طبقاتی و تمایز گذاری میان طبقات به مخالفت برخاستند و مقابل خط مشی انقلابی پرولتری صدر مائو سیاستهای که بر اساس تحلیل طبقاتی انقلابی و علمی اصوله شده بود، قرار گرفتند. تاریخ ثابت کرده است که دو سیاست افراطی وحدت نامه تنهایی افراطی از مبارزه و مبارزه به تنهایی ماعا را از وحدت - سیاستهای کاملاً پرولتری هستند و فقط سیاست ایجاد جبهه واحد و وسیع از طریق وحدت و مبارزه سیاسی مارکسیستی - لنینیستی است. پیروزی انقلاب چین بطور خط مشی انقلابی پرولتری صدر مائو و پیروزی اندیشه کبیر صدر مائو در یالکتیک است.

صدر مائو در مقاله "در باره سیاست" تجربه تاریخی حتر ما را جمع بندی کرد و بطور همه جانبه نشان داد تا چه حد ارتقا سطح آگاهی در زمینه تاکتیک برای حزب دارای اهمیت میباشد. او موانع یاد آور شد "برای آنکه نظرات یک جانبه بسیاری از کارهای حزب در موضوع تاکتیک اصلاح گردد و از انحراف به "چپ" و راست که نتیجه نظرات یک جانبه است اجتناب شود باید تغییرات و تکامل سیاست حزب را در گذشته و حال در کلیه جوانب و در مجموع خود به آنها فهماند.

آموزش صدر مائو نسبتاً بطور روشنی بنا نشان میدهد. دانش خود را در زمینه تاکتیک ارتقا دهد و درک خود را از سیاست عمیق تر ساخته و آنرا بحمل در آوریم در مرحله بعد در مبارزه مقاله "در باره سیاست" امروز مساله اساسی ما اینست که خود را به ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی مسلح

# پیروز بادر اده محاصر شهرها از طریق دهات

# اخبار

● در آستانه برگزاری جشن ۲۰۰ ساله مبارزات مردم در داخل کشور بشیوه های گوناگون شدت توسعه مییابد. در خراج کشور نیروهای وسیعی از ایرانیان مقیم خارج تحت رهبری کشتیهای جهانگیری و محملین و دانشجویان ایرانی پیچ شده و بطور بیچاره دست به مبارزات پرداخته میزنند. طبق اخبار واصله اکثریت عظیم مردم با برگزاری جشن مخالفت و به اشکال مختلف علیه آن مبارزه میکنند. علنا در کویچه و بازار مخالفت خود را ابراز میدارند. این یک واقعه مهمی است و از لحاظ سیاسی دارای اهمیت بزرگی میباشد. در خراج کشور هم توده های وسیعتری دست به مبارزه زده و صفوف جنبش توده های وسیعتر گردیده است.

طبق گزارش خبرگزاریهای غربی کرد اگر خرابه های تخت جمشید را هزاران سرباز مجارزه کرده و صد ها استنجکات نظامی بنا نموده اند. تمام ساختمانهای دولتی بمدت توسط نیروهای پاس محافظت میشوند. همچنین گفته میشود که در حوالی تخت جمشید یک گروه مسلح فعالیت میکند و این خود باعث شده که رژیم اطراف تخت جمشید را به شمع و کیلوستر تحت کنترل شدید در آورده و اهالی منطقه را مورد بازجویی و بازرسی قرار دهد.

هنگامیکه شاه برای گرداندن تعطیلات تابستانی در شمال بود. در نوشهر ماشین او مورد حمله قرار گرفت. از فرار مفلح حمله کنندگان قصد داشتند ماشین او را منقبض سازند. در این جریان یک نفر زخمی و دستگیر شد.

● بهنگام اعتصاب دانشجویان دانشگاه تهران در تیریز سازمان امنیتها قصد داشتند با بوجود آوردن افشاش در محیط دانشگاه بهانه بدست آورده و برای مبارزه با نیروی خود پرونده سازی کنند و آنها را به زندان بکشند.

جریان از اینها شروع میشود که در سالن غذاخوری موقه که جمع بودند یکی از سازمان امنیتها بلند میشود و بشاخصش بر زمین کوبیده و میشکند و فریاد میزند که "چیه ها ما باید با درستان دانشجوی تهران هنگام جشن باید اعتصاب کنیم" و در این هنگام عدای افراد ناشناس نیز جلوی پنجره ها جمع شده و قصد تخریب شکستن شیشه ها و پنجره ها را میکنند.

دانشجویان از این توطئه باخبر شده و نقشه سازمان "امنیت" ختم مییابد.

● در طول اعتصاب دانشجویان دانشگاه تهریز سازمان "امنیت" تعدادی از کارگران و کارمندان ادارات را به زیر در کار دانشگاه گرد میآورد و در این میان نیز عدای از اراذل و اهاش شروع بدادن شمارهایی از قبیل "دانشجویان خائن هستند" میکنند.

از میان دانشجویان شمار داده میشود که کارگران در هفتان دانشجویان متحد شوند. همه با اتفاق شروع به شمار دادن میکنند.

کارگران نیز با دانشجویان همدا شده و شمار زننده با اتحاد کارگران و هفتان و دانشجویان را تکرار می نمایند.

سازمان "امنیت" که میباید توطئه اش تقطیر آب شده و اوضاع وخیم است مجبور میشود سرعت کامیونهای حاوی کارگران و مردم را از منطقه دانشگاه خارج کند. و بهسد شبانه به خانه دانشجویان حمله میکند تا فعالین را دستگیر نماید.

بد نبال آن بدهری اخراج دانشجویان مبارز زیاد شده است که بهر کسی مظنون میشوند دیگر از آن پس

کسی او را در دانشگاه نمیبیند. اینها همه نشان دهنده مقاومت و مبارزه تند مردم در برابر رژیم شاه است در عین حال نشانه هنده رشد اوضاع بنوع پیوند جنبش دانشجویی با جنبش کارگران و هفتان مییابد.

● خیابان زند شیراز از جمله خیابانهای است که بنهاسبت جشن ۲۰۰ ساله تزیین شده است. مبارزین در یک روز همین این تزیینات را آتش زده اند.

● گفته میشود که سرگرد تیموری مأمور شد که شکیبه ساواک را در پشت ضمیمه مرکزی در فوشراهان بقتل رسانده اند.

● بقرار اطلاع اخیرا سومین کنگره جنبه خلق برای اراک مناطق تحت اشغال خلیج در "رخبوت" تشکیل شد. کنگره برتانه ای دموکراتیک طی آن تصویب کرد که مادر زیر بخشهایی از آنرا نقل میگویم.

برنامه هدف انقلاب را بقرار زیر توضیح میدهد: "طبق دانشها جامعه خلیج عربی (خلیج فارس) جامعه مستعمره نیمه مستعمره - نیمه فئودال است. ما معتقدیم که در این مرحله دشمنان خلق و انقلاب امپریالیستها و فئودالها و دیگر دست نشانده گان فئودالین هستند." از آنجا که بهروز بازی کهراد و نیز با نیروهای امپریالیستی فئودالی تباری میکند و علیه خلق دیکتاتور و ستم اعمال میدارد دشمن خلق و انقلاب محسوب میشود. در رابطه با نیروهای محرکه انقلاب گفته میشود:

"طبقه کارگر و توده های وسیع هفتان قویتر است. در صورت جمعیت را تشکیل میدهد." "آنها نیروی عمده انقلاب محسوب میشوند. اکثریت خرد و بهروز بازی شهر متحد اصلی طبقه کارگر و هفتان هستند."

برنامه تاکید میکند که برای درهم شکستن دشمن شرقی است توده های وسیع خلق را بسیج کرد. در جنبه متحد وسیعی متشکل نشانی.

در رابطه با راه انقلاب در برنامه آمده است که: "انقلاب در خلیج عربی (خلیج فارس) باید انقلاب مسلحانه ای باشد که قهر ضد انقلابی امپریالیسم را بسا قهر انقلابی درهم شکند. ما هرگز بدین بکار بردن قهر انقلابی و بدین درهم شکستن ارتش دشمن و دستگاهها اختیاری قادر نخواهیم شد. در نتیجه ما باید ست آوری"

در برنامه اضافه میشود: "ابزار سرکشی دشمن نظامی در منطقه با ابزار انقلابی خلق عقب نگاه داشته شده. تحت ستم و ظلم مسلح و جلوتر است اما این برتری موقتی است ما با کوشش خود و با فشاری بوری مبارزه طولانی قادریم دشمن را در ریجا تضعیف کنیم او را از پای در آوریم." "تنگ توده ای طولانی از یکسو باعث میشود تا دشمن موقتا قوی به دشمن ضعیف بدل شود و از سوی دیگر ما را از نیروی موقتا ضعیف نیروی قوی تبدیل نماید."

"مبارزه مسلحانه شکل عمده مبارزه است این بدان معنی نیست که ما نباید از اشکال دیگر مبارزه استناد کنیم." "برنامه یاد آور میشود: "امپریالیسم و متحدین او نیرو و فعالیتهای خود را در شهرها متمرکز داده است انقلاب نیز با تمرکز نیروی خود در روستا و روستاها راه پایگاههای انقلابی توده ای تبدیل مییابد. ما همچنین نقش شهرها را در انقلاب بر نظر داریم."

در رابطه با مشخصات مرحله کنونی انقلاب در خلیج برنامه اشاره میکند: "بخطراتیکه دشمنان انقلاب امپریالیستها فئودالها و طبقه بهروز بازی کهراد در هستند بنابراین انقلاب باید اولاً جنبه ملی داشته و برای نابودی امپریالیسم و استقلال مبارزه کند. ثانیا - ما باید انقلابی عسقا دموکراتیک باشد برای نابودی متحدین امپریالیست ها و سیستم قوی و فئودالهای بزرگ و کهراد و روستاها مبارزه نماید این بدان معنی است که انقلاب در خلیج عربی (خلیج فارس) در مرحله کنونی یک انقلاب دموکراتیک ملی میباشد."

# ستاره سرخ و خوانندگان

مجله ای که انتشار خود را آغاز کرده باید بخوبی و با جدیت تمام ادامه یابد. این مسئولیت هم بر عهده کارکنان مجله و هم بر عهده خوانندگان است. این نکته حائز اهمیت فراوان است که خوانندگان نظریات خود را ابراز کنند، نامه و مقالات کوتاهی بنویسند حاکی از اینکه چه چیز آنها را خوشایند است و چه چیز مسؤرد است. آنها نیست این یگانه راه تضمین موفقیت مجله است. (مائوتسه دون)

● خلق قهرمان و مبارز افغانستان که اکنون زیر سلطه حکومت سلطنتی فاشیستی نوح ایران قرار دارد، دارای تاریخ مبارزاتی طولانی است. انقلابین ایران باید مواضعانه از تجارب غنی آنها بیاموزند.

دوستی از میان مبارزان افغانی در نامه انجمنیر محمد عثمان را که در پی دادگاه های مخفی رژیم ظاهر شاه، ایراد کرده است برای ما فرستاده. در زیر قضایای از آن را برای خوانندگان نقل میکنیم. متن این نامه بسیار آموزنده است و نشانه ای از روحیه عالی روشنفکران انقلابی افغانی در مبارزه علیه رژیم حاکم و بظالمین پیروند. با توده های کارگر و دهقان میباشد.

"رفیق و برادر مبارز ما محمد عثمان در نامه خود را با دو بیت شعر شروع میکند:

هر که حق باشد چو جان اندر تنش خم نکرد پیش پائل کس در تنش در جهان توان اگر مردانه زینت

همچو مردان جان سپردن زندگیت

بعد هدف خود را از آگاه اعتراضیه میگه استینا روشن میسازد. "مقصود من از نوشتن این محضراتی فجاج و ستکهای هیأت حاکمه افغانستان بصورت یک گل است تا باشد روشنفکران واقعی و مرفی و بی سببه آنها توده های مردم (که روزی خواهی نشواصی پرده از روی این سماکه سری و فرمایشی بر میدارند) با حلاله این سطر چند، از اصل موضوع آگاه گردند و سندی در جمله هزارها استاد برای محکوم ساختن طبقه حاکمه کشور در دست داشته باشند."

انجمنیر عثمان که یکبار در سال ۱۳۴۴ بخاطر دفاع از مبارزات دانشجویان و شرکت در آن بدت و سال بزندان محکوم شده بود. و با سر بلند ای این دوره زندان را گذراند. است ضمن نامه خود برای بسار مردم بطور روشنی به روزی بنامها و تضای هیأت حاکمه افغانستان بر میدارد. و با ارائه حقایق انکار ناپذیر در حقیقت دادگاه را به دادگاه سماکه خائنین بخلق و ملت بدل میسازد. در دست نشاندگی و سرسپری دگی طبقات حاکم افغانستان او چنین میگوید: "آیسا در کمپو که اکثر ادارات آن (بقول مجله راهبردی و ترجمه سوات) بوسیله گیاشگان "موسسات نگهبانی مانند "سما" اداره میشود و اتلاق دست نشاند به حکومت چنین کمپو در دست نیست؟ کمپو که تمام احتیاجات حیاتی خود را از سوزن گرفته تا ماشین های بزرگ از خارج وارد میکند، در کمپو که حتی گندم از خارج میبایست کمپو که مردمان زحمتکش آن مجبور باشند با کهنه خارجی ستر عورت نمایند و خلاصه کمپو که از الف تا با احتیاج بیگانگان باشد، آیا حکومت چنین کمپو را حکومت خلق آن کمپو گفته میزنیم؟ نه و هرگز نه."

در چنین کمپو این بیگانگان اند که بزیر قرصه و کسک های اقتصادی و مالی و خویش حکم میزنند. نه خلق آن کشور زیرا بدین دست داشتن به استقلال اقتصاد حرفی از آزادی و استقلال سیاسی در میان بوده نی تواند. "انجمنیر عثمان در مقابل سختیها و مشکلات اصلا هراسی ندارد. او بعنوان یک روشنفکر آگاه در دست خلق ایستاده و از موضع خلق جنایتکاران و مرتجعین را که جلوی رشد و پیشرفت خلق افغان را گرفته اند محکوم میسازد. و آنها را بخوار میسازد. انجمنیر عثمان خوب میداند که آینده از آن خلق است و این خود روحیه انقلابی او را تقویت میبخشد. او میگوید: "جناب خانل نتیجه شده اند که چگونه سیر زمان بفتح نیروهای شرقی متوجه است و چگونه ارتجاع را بسوی نابودی کامل مسی کشاند و سرانجام آنرا بزباله تاریخ برتاب میکند."

انجمنیر عثمان با روحیه عالی انقلابی و امید به آینده خلق قهرمان و مبارز افغانستان در نامه خود را چنین خاتمه میدهد: "حکم تاریخ و خلق که سازنده تاریخ است چنین میباید هرکس در برابر خلق قد علم کند بدست خلق سرنگون خواهد شد هرکس در جهت مخالف سیر تاریخ حرکت کند جریان تاریخ او را نابود خواهد کرد." صاحب با مردم گوش دادن به درد دل آنها پرسش از زندگی و احوال آنها یکی از راههای است که ما را به شناخت واقعی اوضاع و احوال کنونی جامعه نزد یک میسازد. در میان مردم تجربه زیادی یافت میشود آنها در عمل شرکت دارند و در جریان عمل بکرات باید به های زیادی که ما هیچوقت در زندگیمان با آنها روبرو نشده ایم و نمیشناسیم برخورد کرده اند. مثلا برای این که بدانیم ظلم و ستم رژیم و اربابان به دهقانان فقیر چه در است واقعا باید از دهقانان بیوسم و بگداریم آنها تجربه خود را بازگو کنند. روشنفکران که کمتر در پراتیک شرکت داشته اند و دانش آنها بطور عمده کتابی است باید باین مسأله توجه و در چند آن کنند و بگویند نه تنها خود در پراتیک شرکت مستقیم نباید بلکه با بر خورگ مواضعانه از تجارب دیگران بیاموزند.

دوستی برای ما نتیجه صاحبه اش را با روشنفکری که تحصیل کرده خارج است و به ایران بازگشته و در کارخانه مشغول کار شده فرستاده است. ما بعضی قضایای آنرا برای خوانندگان خود نقل میکنیم و امید داریم دیگر خوانندگان ما هم بدین شیوه عمل کنند و از طریق صاحب با دیگران تجارب مردم را بدست آورند. برای "ستاره سرخ" بفرستند تا عدای زیادتری در جریان قرار گیرد.

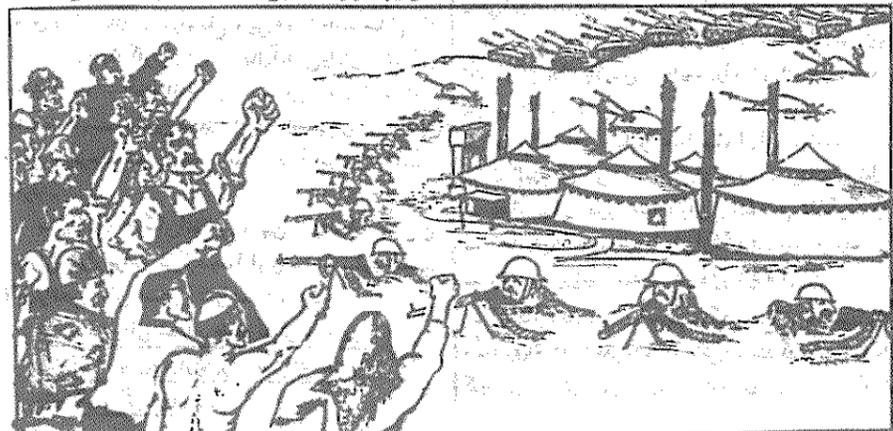
"... او پس از اتمام تحصیلات به ایران برگشت. در کارخانه ای که حدود حدیثی کارگر داشت مشغول کار شد طبق برنامه های "اصلاحی" هر ساله در آن کارخانه و سایر کارخانجات نظیرش انتخابات برای انتخاب رهبر کارگران آن کارخانه انجام میگیرد.

در مرحله اول اعلام شد که انتخابات آزاد است و بدی کار انجام میشود. پس از کمی تحقیق معلوم شد که رئیس کارگران سال گذشته از ساواک است و نائب رئیس هم همینطور. رویمرفته سه نفر "امنیتی" مواظب اوضاع کارگران و کارمندان در آن کارخانه بودند. و در سطح رهبری اعتماد به قرار گرفته بودند.

یکی از همکاران من هنگامیکه گفتند انتخابات است و آزاد هم هست، برای یکی از کارگران که چندان هم آدم محبوس در میان کارگران نبود. ولی طایل بود خود را گاند بداند. معرفی نامه ای نوشت و چند نفر هم بر طبق مقررات پزیر را اضا کرد. توده اداره امور اجتهای کارگران برای تأیید ارسال داشتند. پس از تصویب توسط آن اداره گاند بدین منظور شروع به فعالیت نمود. پس از اندک مدتی آنقدر طرف از پیدا کرد که رئیس امنیتی سابق بهر اس افتاد. مأموران امنیتی کارگران را با تهدید و ارباب اخرا کم کردن حقوق و "مزایا" مجبور میکردند که به سازمان امنیتی رای دهند. نتیجه انتخابات بدی معلوم بود. رئیس امنیتی سابق سراز صندوق در آورد درست یکروز پس از انتخابات، رقیب او و چند نفر از کارگران فضا در انتخابات را از کارخانه اخراج نمودند. از طرف رئیس یک کارخانه معرف را هم که "گناهی" جز معرفی رسمی گاند بدای - انتخاباتی نداشت اخراج کرد. بدین معرف کارمندی بود خطی با پشتکار و منظم و هیچگونه دلایی در اخراج اوئی توانستند ارائه دهند. جز اینکه بنا بگفته خود رئیس کارخانه گاند بدای انتخابات آدم آشوبگر معرفی بود و سازمان امنیت به اوین دستور داده که آنها را اخراج کند به او مربوط نیست که آینده آن شخص و دیگر کارگران - اخراجی چه میشود."

ستاره سرخ ساین است. دموکراسی شاهانه و مفسوم آزادی کارگران شاه و قبح و پست که مدعی است حقوق دموکراتیک زیاد برای کارگران تأمین کرده است.

حقایق عریان کنونی و تجارب تاریخی نشان میدهد که کارگران تنها بدست خود و با اتحاد با نیروی عظیم دهقانان و دیگر نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیست و از طریق راهبهر آسز است که میتوانند حقوق خود را تأمین نمایند. کارگران هر روز در جریان مبارزه از طریق تجربه خود در مییابند که شیوه اساسی کسب دموکراسی برای کارگران راهیست که کارگر را عبوری در انقلاب اکثریت و کارگران چین و آلبانی و ریتام رفتند. مبارزات کارگران بدین شک هر روز توسعه مییابد با فرا گرفتن دموکراسیم - لنیسم - اندیشه مائوتسه دون هم بقد سطح آن بالا میروند و بالاخره تحت رهبری حزب کمونیست به جنگ توده های و کسب قدرت خواهد کشید.



آینده تاناکست راه دو پیچ و خم. از سختیها و مرگ زهراسیم

# شاه عامل استعمار نوین در خلیج فارس

آیا محمد رضا پهلوی از حقیق "ملی" خلفای عرب و ایران در خلیج فارس دفاع می نماید؟ و آیا امیرالیهامیان و از آنجمله امیرالیهامیان انگلیس واقعا مبارزه می کند؟

آیا با بیرون رفتن ارتش انگلیس از خلیج فارس، تسلط استعماری خودی خود از این منطقه برچیده خواهد شد؟

آیا درخواست شاه در زمینه بازگرداندن سه جزیره تنگه هرمز، ابوبوسی، تنب بزرگ و کوچک به ایران را میسر خواهد بود؟

طرح و پاسخ به این سه سوال بنسبته به برخورد به ساله امروزی خلیج فارس و موضوعی در مقابل تبلیغات رژیم شاه و رویزونیستهای کمیته مرکزی حزب توده ایران میباشد.

انقلاب در خلیج فارس هر روز در حال رشد و توسعه است. چنگ توده های ظفار که اکنون هفت سال از آغاز آن میگذرد، سیاسی کاملا نویسی به مبارزات خلقهای سراسر خلیج بخشیده و اوضاع مساعدی را بسود انقلاب پیوسته آورد است. قدرت چنگ توده های ظفار در اینست که هر روز به تدریجی پیشرفته مسلح میشود و اندیشه مائوتسسه دین را با شرایط مشخص خود تلفیق میکند. مبارزات دیگر خلقهای عرب علیه صهیونیسم و امیرالیهامیان آمریکا بویژه مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین عامل موثری در توسعه مبارزات خلقهای سراسر این منطقه است. جنبش انقلابی خلقهای عرب خلیج فارس از پشتگاهی چون جمهوری توده های دمکراتیک بین جنوبی برخوردار است.

این نیروی عظیم ضد استعماری در سراسر خلیج فارس در برابر فروختن آتش انقلاب و به خطر انداختن منافع واضح امیرالیهامیان، نیروی اصلی و عامل تعیین کننده میباشد. در مقابل این جنبش انقلابی، امیرالیهامیان و امیرالیهامیان امیرالیهامیان قرار دارند و بنا بر اهمیت خود مذبحخانه کوشش دارند آنرا سرکوب نمایند و در زمین سرکوبی انقلاب، هم آنها از امیرالیهامیان آمریکا و انگلیس و موسیال-امیرالیهامیان شوروی تا شاه، ملک فیصل و قاپوس مکی با هم تباخی کرده و همراهم کنند. اما در عین حال برای به جنبش زد ن سبب بیشتر و نفوذ بیشتر و خوش خند، بیشتر به اربابان با هم در رقابت بود و هر گاهی در جملات خود میفرمودند: "رقابت بین آنان بر سر منافع سرشارت و کار از این منطقه و بخاطر اهمیت استراتژیکی آن میباشد."

اساس ظهور "مسئله خلیج فارس" در صحنه مناسبات بین المللی امروز، بطور عمده به علت وجود دو قطب تضاد انقلاب و ضد انقلاب در این منطقه است که شد پیدا در مقابل یکدیگر قرار گرفته اند.

این تضاد از یک سو باعث رشد مبارزات ضد امیرالیهامیان و خلقهای عرب خلیج فارس گردیده و از سوی دیگر باعث تشدید تضاد ها و بروز مسائل جدید در بین امیرالیهامیان و عواملین محلی آنها گشته است که در این مقاله منتشر، قادریم نتیجه کلیه این مسائل بپردازیم. بناچار بطور مشخص بر روی سه سوال فوق الذکر که همانا نقش نوکری شاه در خلیج فارس است، تمرکز داریم.

"توده" ارگان مبارزان انقلابی در فروردین ۱۳۴۹ در این مورد چنین نوشت:

"مدتی است که "مختصین" امیرالیهامیان رستم را با این نتیجه رسیده اند که برای آنها با صرفه تر است چنانچه مستمرات را توسط "خدمتکاران بومی" خود صورت دهند و سرکوبی خلقهای شیعه بدین راه نیز به نفع نگران دست بر آورده. خود واگه ارنمایند."

خود شاه هم در مصاحبه های این واقعه را چنین بیان کرد:

"اینکه ما خود را مجهز به سلاحهای مدرن میمائیم امریست طبیعی، چون در صورتیکه سیاست فعلی همکاری در خلیج فارس در زمینه امور دفاعی تفسیر کند، به تنهایی تعامیت و ثبات کامل خلیج فارس را حفظ نمائیم. این راه برای ما (بخوان امیرالیهامیان) حیاتی است و بسنایز باید باقی بماند."

در مساجد سیاست نو استعماری امیرالیهامیان آمریکا واضح است که شاه باید "به تنهایی تعامیت و ثبات کامل" در خلیج فارس را حفظ نماید. نقش او در دست بستاید نقش وان نیو و این قول در شرق دور آسیا و ملک حسین و دایان در خاور میانه عربی است. با توجه به برخی اوضاع در امریک از این نقاط،

هیئت حاکم ایران، امیرالیهامیان و رویزونیستهای کمیته مرکزی حزب توده ایران اکنون میخواهند چنان جلوه

دهند که در خلیج فارس اختلافات بین شاه و انگلیس اصل قضیه است. شاه نماینده خلقها و انگلیس استعمارگر پیر و تاوارونه جلوه دادن حقایق در صورتی امکان داشت که وابستگی رژیم شاه به امیرالیهامیان و استقلال مادی و معنوی آن در تمام شئون سیاسی - نظامی اقتصادی حکومت او بپایین روشنی آشکار شود.

به کورتای ۲۸ مرداد ۱۳۴۴ که از طرف سازمان جاسوسی آمریکا، تهیه و اجرا گردید و بر نفوذ امیرالیهامیان آمریکا در ایران صحت گذشت، مراجعت کنیم. به دوران "انقلاب سفید" که مطابق با برنامه های نو استعماری اصل چهار ترویس اجرا شد. نظرات کنیم، به حجب و نفوذ روز افزون سرمایه های امیرالیهامیان، به اوصای کوشش آنان، به نفوذ نظامی آنان در ایران، توجه کنیم. همه حاکی از سرسپردگی کامل رژیم محمد رضا پهلوی به امیرالیهامیان و خواست امیرالیهامیان، در ترویج ایران به پایگاه امیرالیهامیان دیگری در خاور میانه میباشد.

شاه مذبحخانه و غوامت میزند. میگوید خود را ضد استعمار انگلیس و دفاع استقلال و آزادی خلقهای عرب خلیج جلوه دهد. اما واقعیت اینست که شاه عامل استعمار نوین در خلیج فارس بوده و ضد استقلال و آزادی این خلقها در خلیج فارس عمل میکند.

شاید این سوال پیش آید، چون شاه بطور عمده به امیرالیهامیان آمریکا وابسته است و از آنجانبیکه بر سر خوارت منافع نفت خلیج فارس آمریکا و انگلیس با یکدیگر رقابت و تضاد دارند، بنابراین رژیم شاه هم طبعاً با امیرالیهامیان انگلیس در تضاد افتاده است. وجود این تضاد واقعیتی است و زما هم حاد گشته بود. ستاره سرخ آنرا در قیابش از یکسال پیش تشریح کرد، اما اکنون دیگر "معاملات" تقریباً صورت گرفته است. شاه بحرین را بخشیده، آمریکا مقام آقائی را از انگلیس گرفته و آمریکا و انگلیس هم با او آقائی سرزوری به شاه توافق کرده اند. اکنون دیگر تضادها چابجا شده و با اصطلاح آرد را غربال کرده و غربال را آویخته اند. بگه آرد ما بر زبان یکی از روزنامه های معروف و معتبر جهان امیرالیهامیان این موضع را روشن کنیم:

"قدرت نظامی ایران در خمیگی، دریا و هوا تحت یک برنامه فنی پلیسیون در لاری و بطرز بی سرو صدا توسط آمریکا و انگلیس در رابطه با خروج انگلیس ها از خلیج فارس تقویت میشود. سهم عمده آمریکا در این برنامه فنی سرزوری اسکادران های جت جنگنده و فانتومهای آخرین مدل آن بریتانیا هم مد هاتاناک و واحد دریایی میدهند. تقویت نیروهای مسلح ایران، مطابق گفته مقامات دولت واشنگتن به خاطر خلا" است که با رفتن انگلیسها از خلیج فارس وجود میآید. واقعاً این است در مقابل نفوذ شوروی در این منطقه

## کارگران انتقام خود را میگیرند

دو بیست کارگر ایرانی در خلیج فارس خرق شدند.

هنگامیکه محمد رضا پهلوی در منتهای نخوت و خود پسندی، در دریای خرابه های تخت جمشید، جشن برپا می کند و میلیونها دلار که به قیمت تشدید فقر و بدبختی و نابودی زحمتکاران ایرانی تمام شده، به پایمستی مرتجع جنایتکار نظیر خود میریزد، دو بیست کارگر زحمتکش در میان آبهای خلیج جان سپرده و قربانی سیستم نیکت بارهاکم ایران گشتند.

این برادران شریف و زحمتکش ما، از جمله هزاران هزار و روستایی هستند که بخاطر نبودن کار و قوت زنده گی، ابتدا به شهرها روی آورده بودند، غافل از اینکه در آنجا نیز بیگاری غوثا میکند.

برای آنان دیگر چاره ای جز فرار از زمین، بهیچیکه سلطنت پهلوی آنها را تبدیل به سرزمین مرگ تدریجی برای زحمتکاران ساخته، نمانده بود.

این فرزندان کار و زحمت از خانواده های خود در روستا های قحطی زده و دزد زلفه های شهرهای بیگاری زده جدا می گشتند. با امید اینکه با فروختن نیروی کار در خارج از زمین بتوانند نجات بخشی برای ادا امهزندگی آنان گردند. اما آنان هرگز باز نگشتند. سادران پیر آنها بیجه های مریض و هسرا ن زحمتکش بزرگ دیده آنها اکنون چشم برآه مانده و بهر روز از سوزش گریختگی و درد و رنج بیماری جان خواهند سپرد.

آنان تا آخرین لحظه، هنوز امید دارند که آنان آفرشان از نهنرهای دور و بیگانه باز خواهد گشت و زندگی هر کارگزار

و فعالیت رادیکالهای عرب و خلیج فارس را از اهمیت استراتژیکی فراوانی است و از بهترین مناطق تولید کننده نفت برای ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی و ژاپن است. شاه ایران محمد رضا پهلوی با پشتیبانی انگلیس و آمریکا مسئولیت امنیت خلیج فارس را پس از آنکه بریتانیا نیروها خود را از بحرین و قطر و هفت شیخ نشین بیرون میکند بهمهده گرفته است. (نیویورک تایمز)

چرا بالاخره امیرالیهامیان سرزورگی شاه و واگه آری نقش زائد ارباب او در خلیج توافق کردند؟ منافع آنها چیست؟ امیرالیهامیان انگلیس که از سالها رسماً غارتگر یکتاز منابع نفت خلیج فارس بوده، امروز بطوریکه در جبار و روشنگری اقتصادی گردیده است و قدرت از روز بروز در حال تضعیف است بطوریکه اکنون در مقابل مبارزات آهنگین خلق های عرب خلیج فارس چاره ای جز اطاعت از رقیب دیروز و شریک امروز خود امیرالیهامیان آمریکا ندارد. تسلیم شدن امیرالیهامیان انگلیس در برابر نیروی امیرالیهامیان آمریکا از زمان اتمام جنگ جهانی دوم آغاز گشت. در ۲۰ سال اخیر روابط بین این دو نیروی استعماری از مراحل مختلفی گذشت و همه مشترک در این یک ربع قرن، دست و پنجه نرم نمودن اولیه و تولید برخی تضاد هابرسر تقسیم منافع و تسلیم لاجرم بعدی انگلیس به آمریکا بوده است. این پروسه در مورد خلیج فارس نیز طی شده است.

اما امیرالیهامیان آمریکا هم امروز مرحله زوال و نابودی خود را میپیماید. "بومی نمودن" جنگهای تجاوری و در تقویت "تقسیم مسئولیت" از زیره احتیاجات معینی این مرحله بوده و غلظت آنها روشن میباشد.

سپردن مسئولیت جنگهای تجاوری به نوکران محلی برای امیرالیهامیان روشنگشته شده و خروج و در دست زورگری داشته و آنان را از تحمل خسارات هنگفت معصوم نگه میدارند. از طرف دیگر تلاشی است برای گامش از قدرت تضادها در درون خود و بتاخیز انداختن بهرانه های شدید اقتصادی و سیاسی.

اینکه این نوع تاکیکها تا بحال نتایج مطلوبی برای مرتجعین نداشته و اغلب باعث تشدید تضادها گشته است. مقوله ایست روشن که کفایت بنتاچ "وینامی نمودن جنگ در هند و چین که هم اکنون در یکرا شکست کامل روبرو شده است نظر نکنیم.

اما در خلیج فارس شنگ دیگران بود که حضور مستقیم امیرالیهامیان انگلیسی باعث بدین زدن به مبارزات روز افزون و توسعه جنگهای ضد استعماری میگردد. و از سوی دیگر خواست مردم خلیج، استقلال و آزادی و قطع دست امیرالیهامیان انگلیس از ثروت ملی آنهاست. جواب این "شنگ" را امیرالیهامیان آمریکا با توافقی امیرالیهامیان انگلیس در بیرون کشیدن قشونها و گشتهای جنگی انگلیس از خلیج فارس مستقل نمودن "عمان، بحرین و

راهپیمای خواهد بخشید. آمیدی که هرگز جامه عمل نخواهد پوشید.

ماضی ایران تا از حقیق از این واقعه اسف انگیز و اسلام همیستی عمیق خود با تمام زحمتکاران ایران بویژه خانواد های زنجیر دیده و شهیدان زحمتکش، اطمینان داریم خاطر و آنها فراموش نخواهد شد. همه کارگران از خود سوال خواهند کرد چرا شاه و استعمارگران حاکم چنان جشنی برپا میکنند و زحمتکاران دست و پند در دست میچسبند و کار و زور مواج در میان میسپارند. همه کارگران پیشک نقرت خود را نسبت به رژیم افزین خواهند کرد و بازم بیشتر درخواست خواهند یافت که برای نجات کارگران و دهقانان و تماش خلق راهی جز انقلاب سبب قهرآمیز نیست.

طبقه کارگر ایران، که شته مبارزاتی افتخار آمیزی دارد کارگران ایران در مبارزات خلق ما همسایه های درخشانی بجای گذاشته اند. در اوضاع کنونی همه شواهد حاکی از اینست که طبقه کارگر ایران در حال آگاهی یافتن به تشنگ و مبارزه است. طبقه کارگر ایران انقلابی ترین طبقه در جامعه ما است و همین دلیل وظیفه تاریخی رهبری انقلاب ایران در مرحله کنونی یعنی انقلاب دمکراتیک را بهمهده دارد.

بدون شک کارگران انقلابی میبایست با انتقام خسون هزاران هزار برادر کارگر خود را از رژیم نیکت باری گسسته قاتل واقعی آنان است، خواهند گرفت.

نقرت خود را از دشمنان طبقه کارگر بالا ببریم، متشکل شویم و به مبارزه برای سواد اختن رژیم کارگر کش برهنیم.

قوت و تشکیل فدراسیون ۶ امیر نشین یافتند. ارتشهای مرز بر تربیت یافته را که قبلاً تحت رهبری افسران انگلیسی تعلیمات دیده بودند، در خلیج به پاسداری اوضاع گذاشتند. هیئت های خاکه دست نشانده ای را هم، که از قرار معلوم هنوز در گاراه آنها آنان شک دارند و همین جهت غیر مستقیم تمام اموراتی را در دست خویش نگاه داشته اند، به ظاهر برگماردند.

محمد رضا پهلوی هم که گوی از جملگی شیخها قلدر تر است و در سابقه سرپسند ضی از سایر رقیبها (عربستان سعودی و...) اخیراً موفق تر بوده است، به عنوان رهبر "اوضاع" تعیین نمودند و در ضمن زمزمه واگه آری جزایرتنگه هرمز را همراه آنها اخته اند. قسمتی از این راه حل تاکنون انبیا شده قسمت دیگر آنها هم در شرف انجام است. با چنین انگیزه های پرشاه ایران لباس "ضد استعماری" پوشانیده شد، رنگ "ملی" و "عاشی" منافع خلقهای عرب برآوردند و برای تقویت جوانب تبلیغاتی جنگهای زورگری با امیرالیهامیان انگلیس نیز جاشنی قضا یاکردید.

شاه برای حفظ منافع اربابان خود، چنان ارتش زوروری فراهم آورده است که هزینه آن معادل یک ششم یک بودجه دولت ویرا بر ۷۰ میلیارد ریال در سال است. این جمعه نشان میدهد که با خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس، سلطه امیرالیهامیان از این منطقه بخودی خود برگسده نخواهد شد. بلکه شیوه های نوین استعماری جایگزین شیوه های کهن خواهند گردید.

و همانطوریکه در بالا گفتیم جرای درخواست جزایر تنگه هرمز هم در این نقشه امیرالیهامیان نقشه است. این سه جزیره برای امیرالیهامیان و اربابان برای شاه اهمیت استراتژیکی و نظامی دارد.

مساله سازی، از اینک این سه جزیره متعلق به ایران است یا نه، باب دندن روی رویزونیستهای کمیته مرکزی حزب توده ایران میباشد.

رویزونیستهای وطنی میگویند چنین جلوه دهند که در خواست بازگرداندن جزایر تنگه هرمز به ایران از جمله درخواست های "حقانته" شاه است. در صورتیکه این امر بخاطر مستقر شدن ارتش شاه در این سه جزیره برای سرکوب نیروهای خلق در این منطقات و تکامل با منافع خلقهای عرب خلیج فارس و خلقهای ایران در تضاد است.

بخاطر پیروی در مورد بحرین نیز شاه سرور صدای زیادی راه انداخته بود و بنظر میسازد، تصام سالسه حاکمیت و استقلال ایران به پس گرفتن بحرین بستگی دارد. ولی بلافاصله بعد از تصمیم امیرالیهامیان درباره "استقلال" بحرین، تبلیغات اهرام فروکن کرد و حتی ۱۸۰ درص مطابق برنامه و خواست امیرالیهامیان تفسیر یافت.

هزاران کارگر ایرانی در سراسر خلیج همراه با برادران زحمتکش عرب خود به بدترین وجهی استثمار میسند. شونده و بیبود این ظلم طبقاتی زمینه عینی همیستی طبقاتی بین آنان است که بطوریکه کوششهای مذبحخانه رژیم ایران در نفاق افکنیدن بین آنان، جد انان پذیر و خدشه ناپذیر بوده و هر روز محکمتر میگردد و در جهان و همچنین در خلیج فارس اوضاع خلاف میل امیرالیهامیان و سوسال امیرالیهامیان ها و سرسپردگان بومی آنان پیش میرود. این حقیقی است عینی و غیر قابل انکار. خلقهای میبایست با احساس همیستی عمیق با مبارزین عرب در خلیج فارس از مبارزات حقانته آنان علیه امیرالیهامیان و شاه قاطعانه پشتیبانی نمایند.

## «توده» منتشر شد

این شماره "توده" اختصاص به تاریخ گذشته حزب توده ایران دارد. در حقیقت این بخش دوم از نظامهای در شماره "جنبش کونیستی ایران" است که بخش اول آن در شماره "توده" منتشر شده بود. این بخش شامل مطالب زیر است:

- پیشگفتار که به مساله وظیفه مرکزی مارکسیست میلانیستها یعنی ایجاد حزب کونیست پرداخته و ضمن انتقاد از نظرات نادرست موجود در این زمینه، از آنجمله تز احیای حزب توده ایران، راه چگونگی فعالیت برای ایجاد حزب رادیکال بررسی قرار میدهد.
- اوضاع اجتماعی و مبارزات خلقهای ایران قبل از شهریور ۲۰
- فعالیتهای حزب توده ایران از بدو تأسیس تا کنون اول
- فعالیتهای حزب توده ایران از کنون تا کنون دوم
- فعالیتهای حزب توده ایران از کنون تا کنون چهارم
- رشد رویزونیسم جدید در حزب توده ایران
- از تجارب تاریخی بیاموزیم - که در حقیقت جمع بندی بسیار مختصری است از تجارب مثبت و منفی گذشته که در شرایط کنونی برای جنبش نوین کونیستی دارای جنبه عملی میباشد.

# زنده باد همبستگی انقلابی خلقهای ایران و عرب